اسلام و بزرگداشت زن

مؤلف:

محمد جمیل زینو

مترجم:

محمّدگل گمشادزهی


سنی بوک
www.SunniBook.net

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

اسلام و بزرگداشت زن

بسم اللّه الرحمن الرحیم

مقدمه مولف

ان الحمد للّه نحمده و نستعینه و نستغفره و نعوذ باللّه من شرور انفسنا و من سیئات اعمالنا من یهده اللّه فلا مضل له و من یضلله فلا هادی له، و اشهد ان لا اله الا اللّه وحده لا شریک له و اشهد ان محمد عبده و رسوله اما بعد:

از آنجاییکه زن کار خطیر تربیت اولاد را به عهده دارد، از نظر اسلام به عنوان مربی نسلها قرار داده شده و اصلاح جامعه مرهون صلاح و درستکاری زن می‌باشد زیرا فرزندانی که افراد جامعه را تشکیل می‌دهند بدست او تربیت می‌شوند و از میان افراد جامعه دولت اسلامی شکل می‌گیرد انجام تمامی این امور مهم در گرو تربیت صحیحی است که زن در مورد فرزندان خود بکار می‌برد.

برای بزرگداشت مقام زن در اسلام در قرآن مجید سوره‌ای بنام «نساء» تخصیص داده شده است و این در حالی است که سوره‌ای بنام مردان وجود ندارد و به ویژه مادر در اسلام جایگاهی والا دارد و خداوند در قرآن مجید بعد از عبادتش به نیکی نمودن در حق مادر توصیه و تاکید کرده است.

خداوند می‌فرماید:

(وقضی ربک الا تعبدوا الا ایاه و بالوالدین احسانا)

{ P – الاسراء: 23 P} (ای انسان) پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید.»

و پیامبر« امانت تربیت فرزندان را به عهده مادر نهاده است چنانکه فرموده:

(والمرأة راعیة فی بیت زوجها و هی مسئولة عن رعیتها)

{ P – متفق علیه P} «و زن در خانه شوهرش شبان است و از رعیت خویش مسئول است.»

برای آگاهی بیشتر به مقام والای زن و بزرگداشت آن در اسلام کتاب حاضر تقدیم خوانندگان می‌گردد.

از خداوند می‌خواهم که خوانندگان این کتاب، از مطالب آن نفع برده و خداوند این خدمت کوچک را خالص برای خود بگرداند.

محمد جمیل زینو

زن از دیدگاه عرب دوران جاهلیت

زنان در دوران جاهلیت قبل از اسلام از بسیاری حقوق انسانی و اجتماعی خود محروم بودند:

1- زن حق ارث بردن را نداشت و اعراب می‌گفتند: «از ما ارث نمی‌برد مگر کسی که شمشیر و اسلحه بر دوش می‌گیرد و از کیان و شرافت ما دفاع می‌کند.»

2- زن حقی بر شوهر نداشت، و تعداد طلاق معین نبود و نیز تعدد همسر حد و مرز مشخصی نداشت، و اگر مردی که دارای چند همسر بود وفات می‌نمود فرزند بزرگتر برای ازدواج با زنان پدرش از دیگران مستحق‌تر بود، و نامادری خود را چون بقیه اموال ارث بجا مانده از پدر می‌شمرد!

از ابن عباس روایت شده است که فرمود: «هرگاه پدر کسی می‌مرد، او بیشتر از دیگران مستحق بود که نامادری خود را بدست گیرد، اگر می‌خواست آن را برای خود نگه می‌داشت یا اینکه او را زندانی می‌کرد تا اینکه از مهریه‌اش گذشت کند و یا آنقدر او را نگه می‌داشت که می‌مرد و مالش برای او باقی می‌ماند.

3- عدت زن در زمان جاهلیت یک سال کامل بود، و زنان به بدترین و زشت‌ترین حالت به سوگ شوهران از دست داده خود می‌نشستند، زن در مدت عدت بدترین لباسها را می‌پوشید و در بدترین خانه سکنی می‌گزید و آرایش و پاکیزگی و استعمال خوشبویی را ترک می‌کرد، آب به بدنش نمی‌زد و ناخنهایش را کوتاه نمی‌کرد و موهای اضافی بدنش را نمی‌گرفت و در میان مردم و اجتماع حاضر نمی‌شد و به این صورت تا پایان سال به سوگ می‌نشست و بعد از اینکه یکسال از مرگ شوهرش تمام می‌شد با زشت‌ترین قیافه و بویی زننده از خانه سوگ بیرون می‌آمد و به سوی مردم می‌رفت.

4- اعراب در دوران جاهلیت کنیزان خود را مجبور می‌کردند تا خود فروشی کنند و پول در بیاورند چنانکه قرآن اعراب تازه مسلمان را اینگونه مورد خطاب قرار داد:

(و لا تکرهوا فتیاتکم علی البغاء ان اردن تحصنا لتبتغوا عرض الحیاۀ الدنیا)

{ P - نور: 33 P} «کنیزان خود را که خواهان عفت و پاکدامنی هستند به زنا وادار نکنید تا بدینوسیله مال و دارائی دنیا را بدست آورید.»

5- در میان اعراب دوران جاهلیت انواعی از ازدواج فاسد رواج داشت که در میان بسیاری از قبایل شایع بود و تا کنون در بعضی جاهها رواج دارد از جمله:

الف) گروهی از مردان با یک همسر همبستر می‌شدند و آن زن حق داشت فرزندی را که به دنیا می‌آورد به هریکی از آن مردان که می‌خواست نسبت دهد.

ب) مرد از همسرش می‌خواست تا با فرد مشخصی از سران قوم و افرادی که به شجاعت معروف بودند همبستر شود تا فرزندی چون آن مرد در شجاعت به دنیا بیاورد.

ج) نکاح موقت نیز یکی از انواع ازدواج‌هایی بود که آن زمان رواج داشت.

د) نکاح شغار، یعنی اینکه مردی دختر یا خواهرش را به ازدواج مردی دیگر در می‌آورد بشرط اینکه او دختر یا خواهرش را به ازدواج او در بیاورد بدون اینکه هیچ یک از دو مهریه‌ای برای زن مقرر کنند زیرا آنها زن را ملک مرد می‌دانستند و مرد مختار بود همچنانکه هر تصرفی در دیگر اموالش انجام می‌داد با زن که جزو اموال بشمار می‌رفت هم انجام دهد.

هنوز هم در میان بعضی ملتها چون قاجار این سنت جاهلی رواج دارد!!

اما اعراب پیشرفته مانند قریش در آن زمان، نیز به همین منوال که امروزه مسلمین ازدواج می‌کنند ازدواج می‌کردند. آنها ابتدا از زن خواستگاری می‌کردند و مهریه‌اش مقرر می‌شد و عقد انجام می‌گرفت، اسلام فقط این نوع ازدواج را برقرار گذاشت اما بعضی از سنت‌های ظالمانه مانند اجبار زن به ازدواج با افرادی که نمی‌خواستند و یا جلوگیری از ازدواج و تصرف یا ندادن مهریه زن و غیره را باطل نمود. امیر المؤمنین عمر بن الخطاب2 می‌گوید:

«ما در دوران جاهلیت قبل از اسلام، زنان را چیزی حساب نمی‌کردیم، اما وقتی اسلام آمد و خداوند حقوق زنان را در قرآن یاد آوری نمود ما پی بردیم که زنان بر گردن ما حق دارند»

{ P – بخاری؛ ملاحظه کنید کتاب المرأة بین تکریم الاسلام و اهانة الجاهلیة P}

زنده به گور کردن دختران در جاهلیت

اعراب در دوران جاهلیت دختران را ناپسند و بدشگون می‌دانستند و فرزندان دختر خود را از ترس عیب و عار زنده به گور می‌کردند، اسلام این عادت بد را نپذیرفت و قرآن به بدترین صورت این عمل آنها را به تصویر کشیده و در مورد اعراب دوران جاهلیت چنین فرموده است:

(و اذا بشر احدهم بالانثی ظل وجهه مسودا و هو کظیم یتواری من القوم من سوء ما بشر به، ایمسکه علی هون ام یدسه فی التراب الا ساء ما یحکمون)

{ P – نحل: 59 P} «و هنگامی که به یکی از آنها مژده تولد دختری داده می‌شد صورتش سیاه می‌گردید و مملو از خشم و غضب و غم و اندوه می‌شد.از قوم و قبیله (خود) به خاطر این مژده بدی که به او داده می‌شد خویشتن را پنهان می‌کرد آیا این ننگ را بر خود بپذیرد و دختر را نگاه دارد و یا او را در زیر خاک زنده به گور سازد؟ چه قضاوت بدی که می‌کردند!»

و خداوند بیشتر از این نیز این عمل زشت اعراب را تقبیح نموده و فرموده است:

(و اذا المؤدة سئلت بای ذب قتلت)

{ P – تکویر: 9 P} «و هنگامی که از دختر زنده بگور پرسیده شود، به سبب کدامین گناه کشته شده است؟»

بزرگداشت مقام زن در اسلام

اسلام، زن را نه همچون دوران جاهلیت موجودی زشت و بی‌ارزش می‌داند بلکه گامهای موثری برای رفع تبعیض و بالا بردن مقام زن برداشته است، اسلام همه آن حقوق انسانی و اجتماعی را که مرد از آن برخوردار است برای زن نیز مقرر کرده و همچنین بر اساس فطرت و ساختمان جسمانی و روحی و آنچه مناسب حال اوست وظایفی را برای زن در نظر گرفته است. از آنجایی که مرد دارای نیروی جسمانی و عقلی کاملتر است و به دلیل کنترل احساسات عاطفی و توانایی و مقاومت در برابر مشکلات و صبر بر سختیها اسلام مرد را مسئول امور زن قرار داده تا از زن دفاع کند و از دسترنج خود بر او انفاق و خرج نماید.

در مورد مسئولیت پذیری و انجام مسئولیت زن، با مرد برابر است و از دیدگاه اسلام زن می‌تواند به صورت مستقیم خرید و فروش و حق تملک و انجام دیگر معاملات را داشته و در سرنوشت اجتماعی خود مشارکت داشته باشد که این نیز یکی از مظاهر تجلیل زن در اسلام است.

خداوند در قرآن فرموده است که انسانها را از زن و مرد آفریده است و همه با هم برابرند و معیار برتری نزد خداوند، عمل صالح و تقوا است چنانکه فرموده است:

(یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبایل لتعارفوا ان اکرمکم عند اللّه اتقی‌کم ان اللّه علیم خبیر)

{ P – حجرات: P 13} ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی آفریده‌ایم و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده‌ایم تا همدیگر را بشناسید بیگمان گرامی‌ترین شما نزد خداوند متقی‌ترین شما است. خداوند مسلما دانا و با خبر است.

و نیز از دیگر نشانه‌های بزرگداشت مقام زن در اسلام این است که آموختن علم و دانش را به زنان با اهمیت دانسته است. از ابی سعید خدری روایت شده: که زنان به پیامبر« گفتند: «که مردان از ما بیشتر از محضر مبارک شما استفاده می‌کنند، یک روز را برای ما معین کنید که در آن روز به ما آموزش دهید». چنانکه رسول اکرم« روزی را مشخص نمود زنان در آن روز جمع می‌شدند و پیامبر« برای آنان سخنرانی می‌کرد و به آنها دستورات لازم را می‌داد یکی از مطالبی که پیامبر« به آنها می‌گفت این بود که فرمود: «هر زنی از شما سه کودک خود را از دست بدهد برای او حجابی خواهند بود که او را از آتش جهنم نجات می‌دهند» زنی گفت: «اگر کسی دو فرزند خود را از دست داده باشد» پیامبر« فرمود: «اگر دو تا باشند نیز چنین است» خداوند در{ P – بخاری (101) باب هل یجعل للنساء یوم علی حدۀ فی العلم. P} قرآن مجید از زنان در کنار مردان اینگونه تعریف نموده است:

(ان المسلمین و المسلمات و المومنین و المومنات و القانتین و القانتات والصادقین و الصادقات والصابرین و الصابرات والخاشعین و الخاشعات والمتصدقین و المتصدقات والصائمین و الصائمات والحافظین فروجهم والحافظات والذاکرین اللّه کثیرا والذاکرات اعد اللّه لهم مغفرهٔ و اجرا عظیما)

{ P - الاحزاب: 35 P} «مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان فرمانبردار فرمان خدا و زنان فرمانبردار خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان شکیبا و زنان شکیبا، مردان فروتن و زنان فروتن، مردان بخشایشگر و زنان بخشایشگر، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار خدا را یاد می‌کنند و زنانی که بسیار خدا را یاد می‌کنند خداوند برای همه آنها آمرزش و پاداش بزرگی فراهم ساخته است.»

سوره نساء

خداوند در قرآن کریم سوره‌ای بنام سوره «نساء» یعنی سوره زنان نازل فرموده است در صورتی که سوره‌ای را بنام مردان (رجال) نامگذاری نکرده است و این دلیل روشن این امر است که زن در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد خداوند در سوره نساء به بیان امور مهمی پرداخته است که به زن و خانواده و حکومت و جامعه مربوط است و بیشترین بخش سوره نساء درباره حقوق زنان سخن می‌گوید، بدینجهت این سوره بنام سوره نساء نامیده شده است، اگر در مفهوم این سوره فکر کنیم، می‌بینیم که خداوند زن را بسیار اکرام نموده است.

1- خداوند نخستین زن را از پهلوی نخستین مرد آفرید و از آمیزش زن و مرد، زنان و مردان بسیاری آفرید و در دنیا منتشر کرد:

(یاایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدهٔ و خلق منها زوجها و بث منهما رجالا کثیرا و نساءً)

{ P - نساء آیه 1 P} ای مردمان از (نافرمانی) پروردگارتان بپرهیزید پروردگاری که شما را از ایک انسان بیافرید و همسرش را از نوع او آفرید و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت.

این آیه قسمتی از خطبه حاجت است که رسول اکرم« سخنرانیهای خود را با آن آغاز می‌نمود و خطبه حاجت بسیار مهم است به ویژه برای دعوت گران دینی و سخنرانان (که در آن چگونگی خلق انسان از فرد واحد را بیان می‌کند).

2- حقوق دختران یتیم در اسلام:

(ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع، فان خفتم الا تعدلوا فواحدهٔ أو ما ملکت ایمانکم ذلک ادنی الا تعولوا)

{ P – نساء: P 3} و اگر ترسیدید که درباره یتیمان نتوانید دادگری کنید، با زنان دیگری که برای شما حلالند و دوست دارید با دو یا سه یا چهار تا ازدواج کنید. اگر هم می‌ترسید که نتوانید میان زنان دادگری را مراعات دارید به یک زن اکتفاء کنید یا با کنیزان خود ازدواج نمایید این سبب می‌شود که کمتر دچار کجروی و ستم شوید.

عروهٔ بن زبیر روایت کرده که از حضرت عایشه2 در مورد (و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی) سوال نمودم عایشه گفت: خواهر زاده‌ام این آیه در مورد دختر یتیمی است که تحت پرورش و تکفل ولی (نامحرم) خود است، و مال و زیبایی دختر یتیم مورد پسند ولی‌اش واقع می‌گردد، بنابراین او می‌خواهد که با او ازدواج کند بدون اینکه در دادن مهریه انصاف را پیشه نماید بلکه می‌خواهد او را با مهریه‌ای ارزان به نکاح خود در بیاورد، بنابراین خداوند در این آیه اولیای یتیمان را نهی نموده از اینکه آنها را اجبارا نکاح کنند و بر آنها ظلم نمایند و دستور داده که در تعیین و پرداختن مهریه دختران یتیم، انصاف را پیشه کنند و نیز در این آیه دستور داده شده که آنها غیر از دختران یتیم هر زنانی را که می‌پسندند بروند و با آنها نکاح کنند.

عروهٔ می‌گوید که عایشه فرمود: مردم بعد از نزول این آیه، در مورد دختران یتیم از پیامبر« بیشتر سؤال کردند، آنگاه خداوند این آیه را نازل کرد: (و یستفتونک فی النساء). عایشه آیه: (و ترغبون ان تنکحوهن) را نیز چنین تفسیر نموده است:

«که شما وقتی که با دختر یتیمی که ثروت و زیبائی ندارد حاضر به ازدواج نیستید، همچنان نباید با دختر یتیمی به خاطر مال و زیبایی‌اش ازدواج کنید مگر اینکه بطور کامل انصاف را رعایت نموده و ظلمی بر یتیم روا ندارید.»

{ P – بخاری P} مطلب دیگری را که خداوند متعال در سوره نساء برای حفظ حقوق زنان ذکر نموده این است که اگر فکر می‌کنید نمی‌توانید میان دو همسر برابری و مساوات و عدالت برقرار نمایید با بیشتر از یک زن ازدواج نکنید. چنانکه خداوند فرموده است:

(فان خفتم الا تعدلوا فواحدهٔ او ما ملکت ایمانکم)

{ P – نساء: P 3} یعنی اگر شما ترس از آن داشتید که نمی‌توانید میان چند همسر مساوات برقرار کنید پس با زندگی با یک همسر اکتفا کنید.

3– زنان در اسلام از ارث سهمیه می‌برند:

خداوند فرموده است:

(للرجال نصیب مما ترک الوالدان و الاقربون و للنساء نصیبا مما ترک الوالدان و الاقربون مما قل منه او کثر نصیبا مفروضا)

{ P – نساء: P 8} برای مردان و برای زنان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بجای می‌گذارند سهمی است. خواه آن ترکه کم باشد خواه زیاد. سهم هر یک را خداوند مشخص و واجب گردانیده است.

در ایام جاهلیت قبل از اسلام فقط مردان ارث می‌بردند و زنان از ارث محروم بودند. اسلام به این قانون جاهلی خاتمه داده و برای زن نیز سهمی در ارث مقرر نمود.

{ P – متأسفانه امروز نیز در بعضی مناطق همان قانون جاهلی قریش در مورد ارث زنان اعمال می‌شود، یعنی فقط مردان و فرزندان پسر از میراث پدر بهره‌مند و زنان و دختران محروم می‌شوند. (مترجم) 4 {P– تفاوت میان سهم میراث مرد و سهم میراث زن:

(یوصیکم اللّه فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین)

{ P – نساء: P 11} خداوند در باره فرزندانتان به شما فرمان می‌دهد و بر شما واجب می‌گرداند که بهره یک مرد به اندازه بهره دو زن می‌باشد.

از آنجایی که مرد عهده دار تامین نفقه فرزندانش می‌باشد و نیز در هنگام ازدواج باید مهریه زن را بپردازد، خداوند سهم مرد از میراث را دوبرابر سهمیه زن قرار داده است.

از ابن عباس روایت شده است که: «(در دوران جاهلیت یا قبل از نزول سوره نساء) مال از آن فرزند بود و وصیت نامه به والدین تعلق می‌گرفت خداوند از این احکام چیزی را نسخ نموده و سهمیه مرد را دو برابر زن قرار داده و برای هر یک از پدر و مادر یک ششم و یک سوم مقرر نموده و سهمیه زن را از مال همسرش یک هشتم و یک چهارم قرار داد و برای شوهر نصف یک چهارم را معین کرد.» (بخاری)

5– تعهد پرداخت مهریه زن توسط مرد:

مهریه را باید شوهر به زن بپردازد. خداوند متعال فرموده:

(و آتوا النساء صدقاتهن نحلهً فان طبن لکم عن شیء منه نفسا فکلوه هنیئا مریئا)

{ P – نساء: P 4} و مهریه زنان را به عنوان هدیه‌ای خالصانه و فریضه‌ای خدایانه بپردازید، پس اگر با رضایت خاطر چیزی از مهریه خود بشما بخشیدند آن را حلال و گوارا مصرف کنید.

ابن عباس می‌گوید: نحله یعنی مهریه

خداوند به شوهران دستور داده تا با زنهای خود به خوبی زندگی کنند و فرموده است (وعاشروهن بالمعروف)

{ P – نساء P 191} یعنی گفتار و کردارتان را بر حسب توان خود با زنان تان نیکو کنید همچنانکه شما انتظار دارید که همسرانتان با شما به نیکی رفتار کنند آنگونه که خداوند فرموده است:

(و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف)

{ P – بقره 228 P} و برای همسران (حقوق و واجباتی) است (که باید شوهران ادا بکنند) بگونه‌ای شایسته همانگونه که حق شوهران بر آنان واجب است.

و پیامبر« فرمودند: «بهترین شما بهترین‌تان با همسرش است و من از همه شما با همسرانم بهتر رفتار می‌کنم» شیخ آلبانی این حدیث را صحیح { P – ترمذی P} دانسته است.

شوهر موظف است با زنش به نیکی رفتار کند گرچه او مورد پسندش واقع نشود. خداوند متعال فرموده است:

(فان کرهتموهن فعسی ان تکرهوا شیئا و یجعل اللّه فیه خیرا کثیرا)

{ P – نساء 19 P} و اگر هم از آنها کراهت داشتید چه بسا که از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر و خوبی فراوانی قرار بدهد.

یعنی امید است که اگر شما با وجود نپسندیدن همسرانتان با آنها نیکی کنید خداوند آن زن را مایه خیر و برکت زیادی برای شما در دنیا و آخرت قرار دهد. و پیامبر« فرموده است: (لا یفرک مؤمن مومنهٔ ان کره منها خلقا رضی منها آخر)

گرفتن مهریه از زن بعد از جدایی جایز نیست:

خداوند متعال فرموده:

(و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج و اتیتم احداهن قنطارا فلا تاخدوا منه شیئا اتاخذونه بهتانا و اثما مبینا)

{ P – نساء: 20 P} و اگر خواستید همسری را بجای همسری برگزینید. هرچند مال فراونی هم مهر یکی از آنان کرده باشید برای شما درست نیست که چیزی از آن مال را دریافت دارید آیا با بهتان و گناه آشکار، آن را پس می‌گیرید؟

یعنی اگر کسی از شما قصد جدایی از همسرش را داشت و می‌خواست همسرش را طلاق بدهدو با زنی دیگر ازدواج نماید نباید مهریه‌ای را که به زنش داده از او پس بگیرد گرچه مال هنگفتی هم باشد.

(و کیف تاخدونه و قد افضی بعضکم الی بعض و اخذن منکم میثاقا غلیظا)

{ P – نساء: 21 P} چگونه آنرا بازپس می‌گیرید و حال آنکه با یکدیگر آمیزش داشته‌اید و هر یک بر عورت دیگری اطلاع پیدا کرده است و زنان از شما پیمان محکمی گرفته‌اند.

ابن عباس می‌گوید منظور از این، عقد میان زن و شوهر است.

اگر زنی را می‌پسندید و می‌خواهید با او ادامه زندگی بدهید به تعبیر قرآن با (امساک بمعروف) او را نگهدارید و اگر او را نمی‌پسندید پس «تصریح به احسان کنید، یعنی با پرداخت حق و حقوقی به خوبی او را از خود جدا کنید.

پیامبر« در خطبه حجة الوداع فرموده: (استوصوا بالنساء خیرا، فانکم اخذتموهن بأمانة اللّه و استحللتم فروجهن لکلمة اللّه)

{ P – (رواه مسلم) P} و نیز از مظاهر بزرگداشت و تجلیل مقام زن در اسلام، حرام بودن نکاح محارم نسبی و رضاعی است:

(حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم و اخواتکم و عماتکم و بنات الاخ و بنات الاخت و امهاتکم اللتی ارضعنکم و اخواتکم من الرضاعة و امهات نسائکم، و ربائبکم اللتی فی حجورکم من نساءکم اللّتی دخلتم بهن فان لم تکونوا دخلتم بهن فلا جناح علیکم و حلائل ابناکم الذین من اصلابکم و ان تجمعوا بین الاختین الا ما قد سلف ان اللّه کان غفورا رحیما)

{ P – نساء P 33} «خداوند بر شما حرام نموده است ازدواج با مادرانتان، دخترانتان، خواهرانتان، عمه هایتان، خاله هایتان، برادرزادگانتان، خواهرزادگانتان، مادرانی که به شما شیر داده‌اند، خواهران رضاعیتان، مادران همسرانتان، دختران همسرانتان (از مردان دیگر که تحت کفالت و رعایت شما پرورش یافته و با مادرانشان همبستر شده‌اید، ولی اگر با مادرانشان همبستر نشده‌اید گناهی بر شما نیست)، همسران پسران صلبی شما، و اینکه دو خواهر را جمع آورید، مگر آنچه گذشته است، بیگمان خداوند بسی بخشنده و آمرزنده است.»

حرام قرار دادن نکاح این افراد حکمت‌های بزرگ و اهداف بلندی که فطرت سالم آن را اقتضاء می‌کند در بر دارد، مثلا فلسفه حرمت نکاح دو خواهر این است که اگر آندو همسر یک مرد باشند در میان خود دشمنی و رقابت می‌ورزند و با یکدیگر کینه می‌ورزند و نهایتا به صله رحم لطمه وارد می‌شود.

سرپرستی مرد برای تنظیم خانواده است نه برای استبداد

پیامبر« فرمود: «تمام فرزندان آدم نگهبان و سرور هستند، مرد آقا و سرور خانواده‌اش می‌باشد و زن بانو و سرپرست خانه‌اش است.» آلبانی این حدیث را در صحیح جامع آورده است.

سرپرستی مرد بر زن طبق قاعده منظمی است که بافت جامعه آن را اقتضا می‌کند و نیز برای استقرار و آرامش در اوضاع خانوادگی و اجتماعی ضروری می‌باشد سرپرستی مرد بر زن چون سرپرستی رؤسای حکومت و مسئولین امر است که سرپرستی حکام از این جهت ضروری است که جامعه اسلامی و بشری آن را لازم دانسته و مسلمانان در صورت خروج و شورش علیه حاکم

مسلمان گناهکار می‌شوند. گرچه در میان آنها کسانی باشند که از نظر علم و دیانت از حاکم برتر باشند. طبیعت مرد به گونه‌ای است که برای سرپرستی و قیم بودن شایسته‌تر است، زیرا مرد از نظر جسمی و روحی برای وارد شدن در معرکه زندگی و پذیرفتن مسئولیت از زن قوی‌تر است به همین سبب سازمانهای بزرگ اجتماعی را مردان اداره می‌کنند.

جنگها را مردان فرماندهی می‌کنند و نیز ریاست حکومت را مرد بر دوش می‌گیرد. و نیز می‌بینیم که در کارهای مهم و طاقت فرسا اغلب مردان موفق‌تر از زنانند و بندرت زنی یافته می‌شود که در کارهای دشوار کاملا موفق باشد، مگر اینکه از پشتیبانی مردی برخوردار باشد. سرپرستی مرد در امور خانواده هیچگونه آسیبی به حیثیت و جایگاه و وجود زن وارد نمی‌کند، و اینجاست که خداوند چنین تعبیر دقیقی برای بیان سرپرستی مرد انتخاب نموده که: (الرجال قوامون علی النساء) و نفرموده که «الرجال سادة النساء» مردان سردار زنانند، تا فهمیده شود که مسئولیت مرد تهیه نفقه و خرج زنان و دفاع از کیان زن است نه استبداد و سلطه گری.

به کتاب «المرأة بین تکریم الاسلام و اهانة الجاهلیة» (صفحه 3) مراجعه شود.

چرا مردان سرپرست زنان قرار داده شده‌اند

خداوند متعال فرموده است:

(الرجال قوامون علی النساء بما فضل اللّه بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم، فالصالحات قانتات حافظات للغیب بما حفظه اللّه واللاتی تخافون نشوزهن فعظوهن واهجروهن فی المضاجع واضربوهن فان اطعنکم فلا تبغوا علیهن سبیلا ان اللّه کان علیا کبیرا)

{ P – نساء: 34 P} مردان بر زنان سرپرستند بدان خاطر که خداوند بعضی را بر بعضی فضیلت داده است، و نیز بدان خاطر که از اموال خود خرج می‌کنند پس زنان صالحه آنانی هستند که فرمانبردار بوده و اسرار را نگه دارند؛ چرا که خداوند به حفظ (آنها) دستور داده است و زنانی را که از سرکشی و سرپیچی ایشان بیم دارید پند و اندرزشان دهید و از همبستری با آنان خودداری کنید و بستر خویش را جدا کنید، آنان را بزنید پس اگر از شما اطاعت کردند راهی برای ایشان بجویید که بیگمان خداوند بلند مرتبه و بزرگ است.

ابن کثیر در تفسیر این آیه گفته است: مرد رئیس، بزرگ و حاکم است و در صورت انحراف زن، مرد وی را ادب می‌کند چون مردان در بسیاری زمینه‌ها از زنان برتر هستند بنابراین است که خداوند نبوت و پیامبری را ویژه مردان قرار داده است:

پادشاهی نیز ویژه مردان است و پیامبر« فرموده است: (لن یفلح قوم ولّوا أمرهم امرأة) قومی که کارشان را به زنی سپردند که رهبر آنها شود { P – بخاری P} هرگز موفق نخواهند شد.

همچنین پست قضاوت و غیره ویژه مردان است.
{ P – زیرا این مسئولیت‌ها با فطرت زن و کار اساسی‌ای که او بر عهده دارد یعنی زاد و ولد و خانه داری و تربیت فرزندان و ساختن نسل مسلمانی که از دین و وطنش دفاع کند متضاد می‌باشند. P} و نیز خداوند متعال فرموده است: (و بما انفقوا من اموالهم)

یعنی از آنجا که مردان مهریه و مخارج زنان را می‌پردازند و دیگر مسئولیت‌های که خداوند در قرآن و سنت پیامبرش برای مردان معین نموده تا برای زنان انجام دهند می‌پردازند، حق سرپرستی با آنهاست. و چون مردان در بسیاری از زمینه‌ها برتراند، شایسته است که سرپرست و قیم باشند، آن گونه که خداوند متعال فرموده است: (وللرجال علیهن درجهٔ) مردان را بر زنان{ P – بقره: P 228} (در برخی از موارد) برتری است.

سر به راه کردن زنی که از شوهرش سرپیچی می‌کند

خداوند متعال فرموده است: (واللاّتی تخافون نشوزهن فعظوهن){ P – نساء: P 34} یعنی زنانی که شما می‌ترسید که از شوهر خود سرپیچی کنند.

ناشزه و سرکش زنی است: که خود را از شوهر بالاتر می‌داند، یا دستورش را نمی‌پذیرد و از شوهر روی گردان و متنفر باشد هرگاه یکی از این حالت‌ها که نشانه نشوز و سرکشی زن هستند از او سرزند شوهر باید نخست به پند و اندرز متوسل شود و او را از عذاب الهی بترساند، زیرا خداوند حق شوهر و اطاعت از شوهر را برای زن واجب گردانیده و نافرمانی از شوهر را حرام قرار داده است. پیامبر« فرموده است: (لو کنت آمرا ان یسجدوا لاحد لامرت المرأهٔ ان تسجد لزوجها) اگر کسی را دستور می‌دادم تا برای دیگری{ P – بروایت ترمذی P} سجده کند زن را دستور می‌دادم تا شوهرش را سجده کند.

و نیز پیامبر« فرموده است: (اذا دعا الرجل امرأته الی فراشه فأبت علیه، لعنتها الملائکهٔ حتی تصبح) { P – بخاری P} و در حدیثی دیگر فرموده: (اذا باتت المرأهٔ هاجرهٔ فراش زوجها{ P – نافرمانی زن از شوهر بویژه هنگامی که شوهر از زن بخواهد که با زنش نزدیکی کند و با او همخوابی کند این خطر را در پی خواهد داشت که شوهر به زنا مبتلا شود یا اینکه این عمل باعث شود که زن را طلاق دهد و با زنی دیگر ازدواج کند. P} لعنتها الملائکهٔ حتی تصبح) هرگاه زنی شب را جدا از بستر شوهرش سپری{ P – مسلم P} کند فرشتگان تا صبح او را لعنت می‌کنند.

همچنین خداوند در مورد مرحله بعدی تأدیب می‌فرماید: (واهجروهن فی المضاجع) (بخاطر تأدیب آنها را در بسترهای خواب تنها بگذارید.)

ابن عباس می‌گوید منظور از هجرت و ترک این است که با زنش نزدیکی نکند اما در بسترش با او بخوابد پشت به او کرده و در مورد آمیزش، با همسرش چیزی نگوید.

در مرحله سوم خداوند در مورد تأدیب زن ناشزه فرموده است: (واضربوهن) یعنی اگر زنان با موعظه و ترک همخوابی اصلاح نشدند شما مردان می‌توانید آنها را تنبیه بدنی نمایید البته تنبیهی که چنان موثر نباشد که باعث نقض عضوی بشود و از زدن به سر و صورتش نیز بپرهیزد. زیرا پیامبر« فرموده است: (و اذا ضرب احدکم فلیجتنب الوجه، فان اللّه خلق آدم علی صورته) (شیخ آلبانی؛ این حدیث را صحیح دانسته و در «الصحیحهٔ» آن را ذکر کرده است.»

(اذا قاتل احدکم اخاه فلیجتنب الوجه) هرگاه کسی از شما با برادر{ P – مسلم P} مسلمانش درگیر شد از زدن به چهره‌اش پرهیز نماید.

(اذا ضرب احدکم فلیجتنب الوجه، و لا تقل فلج اللّه وجهک، و وجهه من اشبه وجهک فان اللّه خلق آدم علی صورته) هرگاه کسی از شما کسی{ P – حسن رواه احمد P} را زد، از زدن بر چهره‌اش بپرهیزد و نگوید خداوند چهره ات را زشت نماید و چهره کسی را که چون توست زشت کند زیرا خداوند آدم را بر صورتش آفریده است.

خداوند متعال فرموده است: (فان اطعنکم فلا تبغوا علیهن سبیلا)

یعنی اگر زن از شوهرش اطاعت کند شوهر حق تنبیه بدنی یا ترک گفتن زن را ندارد.

(ان اللّه کان علیا کبیرا) (همانا خداوند بسیار بلند و بزرگ است.)

{ P – این آیه نیز دلیلی دیگر بر این است که خداوند بالای عرش خودش است همچنان آیات و احادیث صحیح دیگر نیز بر همین دلالت دارد. P} این آیه تهدیدی است برای مردان که اگر بدون دلیل بر زنان تعدی و ظلم کنند خداوند بالا و بزرگ است و انتقام آنها را از هر کسی که بر انها ظلم کند خواهد گرفت.

تحکیم آشتی یا جدایی: خداوند متعال فرموده است: (و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکما من اهله و حکما من اهلها ان یرید اصلاحا یوفق اللّه بینهما ان اللّه کان علیما خبیرا)

{ P – نساء: 35 P} خداوند در آیات فوق مرحله بعدی اصلاح زن را بیان داشته است که اگر زن و شوهر از یکدیگر تنفر و بیزاری پیدا کردند در آنصورت افراد معتمد از خویشاوندان زن و از معتمدان خویشاوندان شوهر برای داوری جمع بشوند و در مورد اختلاف زن و شوهر چاره‌ای بیاندیشند.

یا آنها را با یکدیگر آشتی بدهند یا آنها را از هم جدا کنند، هر چه را که آنها مصلحت زن و شوهر تشخیص می‌دهند، طلاق یا توافق، همان کار را بکنند (ان یریدا اصلاحا یوفق اللّه بینهما)

هر دو داور نگاه کنند اگر مقصر شوهر است زنش را از او بگیرند و نفقه زن را بر گردنش لازم کنند و اگر بدی و کوتاهی از طرف زن است او را نزد شوهرش باز بگردانند. (نگاه کنید تفسیر ابن کثیر)

آنچه بیان گردید از نشانه‌های تجلیل مقام زن بود که در سوره نساء بیان شده است.

تجلیل اسلام از مقام مادر

خداوند متعال فرموده است: (واعبدوا اللّه و لا تشرکوا به شیئا و بالوالدین احسانا) تنها خدا را عبادت کنید و هیچ چیزی را شریک او { P – نساء: 36 P} مکنید و با پدر و مادر خود نیکی کنید. یعنی با پدر و مادر به نیکی و نرمی باید رفتار کرد، و در پاسخ گفتن به آنها نباید درشتی نمود نباید نگاه را به سوی آنها تیز کرد، نباید سر آنها داد کشید بلکه چنان در مقابل آنها خود را پایین بگیرید که غلام و نوکر در برابر مولایش خود را ضعیف و ناتوان نشان می‌دهد.

همچنین خداوند متعال فرموده است:

(وقضی ربک الا تعبدوا الا ایاه و بالوالدین احسانا اما یبلغن عندک الکبر احدهما او کلاهما فلا تقل لهما اف ولا تنهر هما و قل لهما قولا کریما واخفض لهما جناح الذل من الرحمهٔ و قل رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا)

{ P – الاسراء 24–23 P} پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی از آن دو و یا هر دوی ایشان نزد تو به سن پیری برسند اُف به آنان مگو و بر ایشان داد مزن و با سخنان محترمانه با آن دو سخن بگو و بال تواضع و مهربانی را بر ایشان فرود آور و بگو: پروردگارا ایشان را مرحمت بفرما همانگونه که آنان در کوچکی مرا بزرگ نمودند.

خداوند در این دو آیه بندگان خود را به عبادت و یگانه پرستی خود فرا خوانده است، و همراه با امر به عبادت خود نیکی به پدر و مادر را ذکر کرده است، که این خود بیانگر اهمیت اکرام به پدر و مادر است. همچنین فرزند مجاز نیست سخن زجرآوری مانند کلمه «اف» که کمترین مراتب سخن زشت را دارد به پدر و مادر خود بگوید و نباید فرزندان بر پدر و مادر خویش پرخاش کنند و سخن زشتی نسبت به پدر و ماد خود به زبان بیاورند، بلکه والدین و به ویژه مادر خود را با نرمی و مهربانی و سخنهای نیکو مورد خطاب قرار دهند.

مردی نزد پیامبر« آمد و گفت: یا رسول اللّه من احق بحسن صحابتی؟ قال امک: قال ثم من؟ قال امک قال ثم من؟ قال امک قال ثم من قال ابوک. چه کسی به خوشرفتاری من سزاوار است؟ فرمود: مادرت، گفت:{ P – متفق علیه P} پس از او چه کسی؟ گفت: مادرت، گفت: باز کدام؟ گفت: مادرت، و پس از آن فرمود پدرت.

می‌بینیم که پیامبر« سه بار سفارش کرد که با مادر نیکی کنید و این تجلیل و احترامی است که مادر، در اسلام مستحق آن گردیده است.

حق زن و شوهر نسبت به یکدیگر

اسلام حقوقی را برای زن در نظر گرفته است و شوهر نیز حقوقی بر گردن زن دارد. پیامبر« در میدان عرفات در بزرگ‌ترین اجتماع مسلمانان در حجة الوداع هنگامی که برای مردم سخنرانی می‌کرد حقوق زن و شوهر را بیان نمود و فرمود:

فاتقوا اللّه فی النساء فانکم اخذتموهن بامان اللّه، واستحللتم فروجهن بکلمة اللّه و لکم علیهن الا یوطئن فرشکم احدا تکرهونه فان ظن ذلک فاضربوهن غیر مبرج (شدید) و علیکم رزقهن و کسوتهن بالمعروف.

و قد ترکت فیکم ما – لن تضلوا بعده – ان اعتصتم به کتاب اللّه و أنتم تسألون عنّی فقال بأصبعه السبابة یرفعها فی السماء و ینکتها(یمیلها) الی الناس: اللهم اشهد (ثلاث مرات.)

{ P – مسلم بروایت از جابر P} «در مورد زنان از خدا بترسید شما آنان را به امان خدا گرفته‌اید و شرمگاه ایشان با کلمه خدا برایتان حلال شده است و حق شما بر آنها این است که بر گلیم شما کسی را که از او بدتان می‌آید ننشانند، اگر چنین کردند آنها را بزنید اما نه زدن سختی. وحق آنها بر شما این است که لباس و خوراکشان را به خوبی تهیه نمایید.

و در میانتان چیزی گذارده‌ام که اگر بدان چنگ بزنید هرگز گمراه نخواهید شد و آن کتاب خداوند است و شما از من می‌پرسید سپس در حالی که انگشتانش را بطرف آسمان بالا و سپس پایین می‌آورد فرمود: بار خدایا گواه باش (تا سه مرتبه).»

از فوائد خطبه بزرگ

(نکات برجسته خطبه حجة الوداع)

1– در این خطبه پیامبر« مردم را به رعایت حقوق زنان تشویق نمود و در مورد زنان و خوبی با آنها در زندگی سفارش کرد، از آنحضرت احادیث زیادی نقل شده است که: و مرد را از کوتاهی نسبت به حقوق زن برحذر داشته است.

2– زن با ازدواج شرعی حلال می‌شود همانگونه که خداوند فرموده است:

(فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع)

{ P – نساء: 13 P} «دو یا سه یا چهار زن از آنهائی که می‌پسندید نکاح کنید.»

3- برای زن جایز نیست کسی را در خانه راه بدهد که شوهرش از آمدن او ناراحت می‌شود، چه آن شخص مرد نامحرمی باشد یا زنی باشد یا یکی از افراد محرم زن باشد (نووی)

4- شوهر می‌تواند تأدیبا زنش را تنبیه نماید ولی نه با شدت و از زدن به چهره و یا زشت کردن چهره پرهیز نماید زیرا چهره بدست خداوند آفریده شده است و نیز ممکن است چشم و گوش آسیب ببینند.

5- همچنین از این خطبه (چنین) مستفاد می‌شود که همه حاضران به رسالت پیامبر و اتمام تبلیغ آن گواهی دادند.

6- و اشاره پیامبر« با انگشتش بطرف آسمان جهت گواه گرفتن خداوند بر تبلیغ رسالت، دلیل روشنی است بر علو و بالا بودن خداوند بر عرش.

آیات و احادیث زیادی است که به صراحت ثابت می‌نمایند که خداوند بر بالای عرش می‌باشد که بر اساس آن ائمه چهارگانه (ابوحنیفه، شافعی، احمد بن حنبل، مالک) و دیگر علمای سلف نیز چنین نظر و عقیده‌ای دارند. اشتباه بزرگی است که بعضی از مردم می‌گویند خداوند در همه جا است چون بعضی جاها آلوده و کثیف هستند امکان ندارد که حضور ذاتی خداوند را در همه جا تصور نمود.

اما اینکه بگوییم خداوند با علم خودش در هر کجا با ماست و در هر جا ما را می‌بیند و سخنان ما را می‌شنود، درست است چون خداوند به موسی و هارون فرمود: (اننی معکم اسمع و اری) (من با شما هستم می‌بینم و { P – طه: 46 P} می‌شنوم).

حکمت آفرینش مرد و زن

خداوند خلائق را (انسانها و جنها) را برای هدف بزرگ عبادت آفریده است تا اینکه او را یگانه دانسته و فقط او را بپرستند.

(و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون) (من پریها و انسانها را جز{ P – ذاریات: 56 P} برای پرستش خود نیافریده‌ام.)

خداوند انسانها را آفریده است و هر یکی را با ویژگی‌های خاصی از دیگری جدا کرده است، توان و تحمل و نیروی مرد با زن متفاوت است؛ بنابراین وظیفه هر یک مناسب با فطرت و طبیعت اوست و خداوند بر حسب علم و درایت خویش هر یک از زن و مرد را وظیفه‌ای مناسب حال او داده است: (الا یعلم من خلق و هو اللطیف الخبیر) (مگر کسی که می‌آفریند{ P – ملک: 14 P} نمی‌داند، و حال اینکه او دقیق و باریک بین و بس آگاه است؟!)

وظیفه مرد بدست آوردن روزی و تلاش برای امرار معاش و تهیه مخارج خانواده و همسر است.

و این کاری است که زن بخوبی از عهده آن بر نمی‌آید و وظیفه زن این است که در داخل خانه با خدمت و رفتار خویش اسباب با آرامش را برای شوهر برگشته از کار و زحمت، خویش فراهم نماید.

خداوند متعال فرموده است:

(و من آیاته ان خلق لک من انفسکم ازوجا لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودۀ و رحمۀ إن فی ذلک لآیت لقوم یعلمون)

{ P – روم: 21 P} و یکی از نشانه‌های قدرت خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان بیارامید و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت، مسلما در این نشانه‌ها دلائلی است برای افرادی که می‌اندیشند.

یکی از وظایف زن به دنیا آوردن فرزند است و باید فرزندانش را به خوبی تربیت کند زیرا مرد بیشتر بیرون از خانه به سر می‌برد.

بعضی از کارها هستند که مرد به خوبی نمی‌تواند از عهده آنها برآید مانند شستشو و آشپزی و نیز کارهایی که انجام دادن آن برای مرد امکان‌پذیر نیست. مانند بچه دار شدن و شیر دادن به بچه. در یک مثال ساده زن و شوهر را می‌توان به شب و روز تشبیه داد است که هر یک جای خود را دارد و هر کدام نقش و وظیفه خودش را انجام می‌دهد، روز برای کار و تلاش و فعالیت و روشنایی و تهیه مخارج زندگی است، اما شب برای آرامش و خواب و استراحت است. پس شوهر به روز تشبیه داده شد و زن به شب. بنابراین مرد و زن هر یک نقشی جداگانه در زندگی دارد و هیچ یک نباید تلاش کند که به جای دیگری فعالیت نماید و اگر زن بخواهد نقش مرد را در زندگی بازی کند نتیجه برعکس خواهد شد و پیامدهای منفی برای فرزندان و خودشان و جامعه خواهد داشت. همانطور که برای مرد نیز ممکن نیست مشاغل زن را به عهده گیرد.

زیرا در آنصورت مرد و زن برعکس فطرت خود حرکت کرده‌اند و { P – نگاه کنید به کتاب المرأۀ فی الاسلام از شیخ فیصل مولوی P} خداوند فرموده است:

(فطرۀ اللّه الذی فطر الناس علیها، لا تبدیل لخلق اللّه ذلک الدین القیم و لکن اکثر الناس لا یعلمون)

{ P – روم: 30 P} (این سرشتی است که خداوند مردمان را بر آن سرشته است. نباید سرشت خدا را تغییر داد، این است دین و آئین محکم و استوار، ولیکن اکثر مردم نمی‌دانند.)

چرا وظایف مرد با زن تفاوت دارد؟

به علت اختلاف بودن وظایف مرد و زن، در برخی از احکام شرع نیز هر یک از آنها حکمجداگانه‌ای دارد.

1) گواهی دادن: اسلام برای گواهی دادن وجود دو مرد را شرط قرار داده است اگر دو مرد نباشند آنگاه گواهی یک مرد و دو زن قبول است، همانگونه که خداوند در قرآن فرموده است:

(فرجل وامرأتان ممن ترضون من الشهداء) (و اگر دو مرد نبود{ P – بقره: 282 P} یک مرد و دو زن از میان کسانی گواه بگیرید که مورد رضایت و اطمینان شما هستند.)

اسلام گواهی زن را در مقابل یک مرد با توجه به فطرت زن قرار داده است که معمولا زن به امور و جرائم و خرید و فروش و دیون و غیره کمتر اهمیت می‌دهد. زیرا زن به سبب مشغول بودن به تربیت فرزندان و امور خانه داری و نیز شیر دادن بچه و یا مریضی قاعدگی و یا نفاس سخت فراموش‌کار است. بنابراین اگر دو زن باشند یکدیگر را یادآوری می‌کنند و اینگونه حق بهتر ثابت می‌شود و بر کسی ظلمی نمی‌شود. خداوند فرموده است: (ان تضل احداهما فتذكر احداهما الاخرى) (تا اگر یکی (در امر گواهی دادن){ P – بقره: 282 P} انحرافی پیدا کرد دیگر بدو یادآوری خواهد کرد.)

اسلام گواهی زن را پذیرفته است و آن را کاملا رد نکرده بلکه لازم قرار داده است که در شهادت دو تا زن باشند که یکدیگر را در صورتی که فراموش کنند تذکر دهند تا مبادا حقی ضایع شود و یا بر کسی ظلمی صورت بگیرد.

2– میراث: (للذكر مثل حظ الانثيين) (بهره یک مرد به اندازه بهره{ P – نساء: 11 P} دو زن است.)

خداوند سهمیه مرد را از ارث دو برابر سهمیه زن قرار داده است نه بخاطر اینکه حق زن را ضایع کند بلکه برای حفظ حقوق زن چنین کرده است زیرا مرد مؤظف است مخارج زن را تهیه نماید و مهریه‌اش را بپردازد و در صورت عدت، نفقه زن بر شوهر لازم است.

با توجه به اینست که خداوند سهمیه مرد را دو برابر قرار داده است، و در این حکم هیچ نوع توهینی به زن و یا تضییع حقی نشده است.

3– تفاوت دیه: اسلام دیه مرد را دو برابر دیه زن مقرر نموده چون اگر مقتول مرد باشد خانواده‌اش مردی را از دست داده‌اند که مخارج آنها راتامین می‌کرده است اما اگر مقتول زن باشد خانواده‌اش فردی را از دست داده‌اند که موظف به تهیه مخارج نبوده است بنابر این اختلاف دیه بر حسب اختلاف وظیفه زن و مرد است.

4– ریاست، حکومت و امارت: از ویژگی‌های رئیس حکومت در اسلام این است که بتواند در نماز امامت کند و در جنگ لشکر را فرماندهی نماید و زن بر حسب فطرتش که عاطفه و دلسوزی

بر او غالب است و به خاطر ضعف جسمی توان چنین کاری را ندارد. زیرا مدت‌ها حامله می‌شود و دیگر حالات مخصوص دارد مانند بیماری ماهانه و غیره که از انجام وظایف فوق عاجز می‌ماند.

5– طلاق: از آنجا که مرد به زن مهریه می‌دهد و در مدت عدت نفقه‌اش را می‌پردازد و به خاطر اینکه عقلش کاملتر و تحملش بیشتر است و در صورت بروز مشکل و ناراحتی، صبورتر است هیچگاه به خاطر ناراحتی معمولی اقدام به طلاق زنش نمی‌کند. و اگر همچنانکه طلاق در اختیار مرد است بدست زن هم می‌بود آمار طلاق چندین برابر افزایش می‌یافت. همچنانکه در کشورهای غربی این چنین است. بنابر این اسلام تنها طلاق را به اختیار مرد گذاشته است.

{ P – کتاب فقه السنۀ سید سابق P} به نظر من طلاق در حقیقت نعمتی از جانب خدا است که به زن مسلمان ارزانی شده زیرا طلاق زن را از زندگی رنجبار و از دست شوهر ظالم که انصاف ندارد یا احکام اسلام را بجای نمی‌آورد نجات می‌دهد. همچنین اگر زن و شوهر با هم اختلاف داشته باشند یا مشکلات دیگری بر سر راه زندگی آنها وجود داشته باشد، راهی جز جدایی ندارند طلاق در چنین مواقعی مشکل را حل می‌کند و اسلام طلاق را چند مرحله قرار داده است که خداوند متعال آنرا چنین بیان داشته است:

(الطلاق مرتان فامساک بمعروف او تسریح باحسان)

{ P – بقره: 229 P} (طلاق (رجعی) دو بار است (و بعد از آن) یا نگهداری بگونه‌ای شایسته و یا رها کردن.)

بعد از طلاق اول، شوهر حق دارد که به زنش مراجعه کند و به سوی او برگردد و همچنین بعد از طلاق دوم اما بعد از طلاق سوم زن برای آن مرد حرام می‌شود تا زمانی که با شوهر دیگری ازدواج کند و آن شوهر او را طلاق دهد آن وقت شوهر اولی می‌تواند بار دوم با عقد جدید آن زن را نکاح کند.

حجاب زن مسلمان

خداوند متعال فرموده است:

(یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلایؤذین و کان اللّه غفورا رحیما)

{ P – الاحزاب: 59 P} ای پیغمبر! به همسران و دختران خود و به زنان مومنان بگو که چادرهای خود را جمع و جور بر خویش افکنند تااینکه باز شناخته شوند و در نتیجه مورد اذیت قرار نگیرند.

قرآن دستور داده که زن سرش را باید بپوشاند:

(ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن و لا یبدین زینتهن)
{ P – نور: 31 P} (چارقد و روسری‌های خود را بر یقه‌ها و گریبانشان آویزان کنند و زینت خود را نمودار نسازند.)

زنان در دوران جاهلیت روسری خود را به پشت می‌انداختند و گردن و سینه و گوشهایشان با گوشواره‌ها نمایان بود، خداوند از این کارها نهی کرد و به زنان مؤمن دستور داد که خود را بپوشانند.

شرایط حجاب

1- حجاب باید تمام بدن زن حتی صورتش را بپوشاند.

2- لباس و حجاب نباید چندان تنگ باشد که پستانها یا دیگر قسمت‌های بدن برجسته و نمایان شوند.

3- لباس زن نباید آنقدر نازک و شفاف باشد که بدن نمایان شود.

4- لباس زن نباید با لباس زنهای کافر شبیه باشد زیرا پیامبر« فرموده است: (من تشبه بقوم فهو منهم)
{ P – به روایت ابو داود شیخ آلبانی این حدیث را صحیح قرار داده است. 5 {P}- زن نباید لباس مردانه بپوشد زیرا در احادیث، زنان از پوشیدن لباس مردانه نهی شده‌اند.

6- لباس زن نباید درخشنده و رنگارنگ باشد که توجه مردان را به خود جلب نماید بهتر است که لباس سیاه متین بپوشند.

لباس مرد و زن

پیامبر« فرموده است: (من جر ثوبه خیلاء لم ینظر اللّه الیه یوم القیامهٔ. فقالت ام سلمهٔ: فکیف یصنع النساء بذیولهن؟ قال یرخین شبرا. قالت: اذن تنکشف اقدامهن، قال: یرخین ذراعا، ثم لا یزدن) (هرکسی از روی تکبر{ P – رواه الترمذی و قال حسن صحیح P} لباسش را پائین کند که به زمین بخورد خداوند در روز قیامت به او نگاه نمی‌کند. ام سلمه گفت زنان دامنهای خود را چکار کنند؟ فرمود یک وجب پایین کنند. ام سلمه گفت اگر چنین کنند قدمهایشان ظاهر می‌شود فرمود: یک گز پائین کنند و بیشتر از آن نکنند.

آنچه از حدیث استنباط می‌شود:

1- لباس زن باید گشاد و دراز باشد طوری که قدمهایش را بپوشاند بر عکس مردان که پیامبر« به آنها دستور داد تا شلوارشان را تا نصف ساق پا بالا بیاورند و شلوارشان نباید از شتالنگ پائین‌تر

باشد زیرا پیامبر« فرموده است: (ما اسفل من الکعبین من الازار ففی النار) (هر کسیکه شلوارش از { P – بخاری P} شتالنگ پایین‌تر باشد، همان قسمت پایش را آتش دوزخ فرا خواهد گرفت.)

در زمان حاضر وضعیت لباس پوشیدن مرد و زن برعکس شده، مردان پاچه‌های شلوار خود را زیر پا می‌گذارند و خود را با این کار مستحق آتش جهنم می‌کنند و زنان پاچه‌های شلوار را بالای شتالنگ قرار می‌دهند و با این عمل، خود را از بهشت محروم می‌کنند همانگونه که پیامبر« فرموده است: (و نساء کاسیات عاریات، مملیات مائلات، رؤسهن کاسنمهٔ البخت المائلهٔ لایدخلن الجنهٔ و لا یجدن ریحها و ان ریحها لیوجد من مسافهٔ کذا و کذا) { P – مسلم P} و زنانی که لباس پوشیده‌اند اما عریان هستند هنگام راه رفتن خود را کج و راست می‌نمایند سرهایشان به کوهان شتر می‌ماند ایشان هرگز به بهشت وارد نمی‌شوند و بوی بهشت به مشامشان نمی‌رسد در حالی که بوی بهشت از مسافتهای آنچنانی احساس می‌شود.

یعنی زنی که ساق پای خود را عریان کند یا قسمتی از بدنش عریان باشد و یا لباسهای نازک و شفاف بپوشد و یا در راه رفتن، خود را کج کند و موهایش چون کوهان شتر پشت گردنش بسته باشند به بهشت وارد نمی‌شود تا زمانی که سزای این اعمال خود را در جهنم نبیند.

2– وقتی که ظاهر کردن قدم زن جایز نیست ظاهر کردن چهره بطریق اولی جایز نخواهد بود، زیرا زن با چهره شناخته می‌شود و بیشتر چهره به فتنه مبتلا می‌کند بی‌حجابی زن، تقلید از کفار و بیگانگان و تشبه با آنهاست و در حدیث آمده: «من تشبه بقوم فهو منهم»

{ P – ابوداود P} مسلمین از کفار در اختراعات مفید مانند ساختن تانک و هواپیما و دیگر چیزهایی که برای امت اسلامی سودمند خواهد بود تقلید نمی‌کنند و فقط در چیزهایی تقلید می‌کنند که به ضررشان است همانگونه که شاعر گفته است:

قلدو الغربی لکن بالفجور

و عن اللب استعاروا بالقشور

از غربیها فقط در فساد تقلید کردند

مغز را گذاشته و پوست را گرفتند

3– و نیز از احادیث پیامبر« پوشاندن چهره زن ثابت می‌شود که فرمود: (لا تنتقب المرأهٔ المحرمهٔ و لا تلبس القفازین) (زن محرم که در حالت { P – بخاری P} احرام است روپوش و دستکش نپوشد.)

یعنی زنی که در احرام نیست با روپوش چهره‌اش را بپوشاند و با دستکش دستهایش را بپوشاند.

حجاب حافظ کرامت زن است

اسلام برای حفاظت زن از انسانهای شرور و از نگاه افراد نامحرم و در امان بودن جامعه از آفات بی‌حجابی، حجاب را برای زن فرض گردانیده است.

2- حجاب دوستی و همدلی زن و شوهر را بیشتر می‌کند، زیرا اگر حجاب نباشد هنگامی که مرد زنی را ببیند که از زنش زیباتر است روابط زن و شوهر با همدیگر خراب می‌شود و بسا اوقات به جدایی و طلاق منجر می‌شود و سبب جدایی همان زن بی‌حجابی است که شوهر آن زن را شیفته خود کرده و شوهر آن زن همواره عشق آن زن بی‌حجاب را در سر می‌پروراند.

3- از دیدگاه اسلام زن مسلمان چون گوهر گرانبهایی است که صاحب آن همواره تلاش می‌نماید آن را از معرض دید مردم مخفی نگاه دارد.

4- یکی از خاور شناسان بنام خانم «فرانسوا زاگاجان» می‌گوید: «ای زن شرقی! هوشیار باش، کسانی که تو را صدا می‌زنند و از تو می‌خواهند که پوشش و حجابت را بیرون بیاوری و منادی برابری با مرد هستند، می‌خواهند تو را مسخره کنند همچنانکه قبل از تو ما را مسخره کردند.»

5- «فون هرمر» می‌گوید: حجاب وسیله‌ای است که کرامت و شرافت زن حفظ می‌شود و از چنان احترام و جایگاه بزرگی برخوردار خواهد شد که مورد رشک همگان قرار می‌گیرد.

تعدد همسر

1- اسلام که تعدد همسر و زندگی با چند زن را مباح دانسته، قبل از اینکه مصلحت مردان را در نظر بگیرد مصلحت زنان را در نظر گرفته است، زیرا با تعدد همسر بسیاری از دختران و بیوه‌های در خانه شوهران خود خوشبخت زندگی خواهند کرد و اگر ازدواج با بیش از یک زن جایز نمی‌بود این زنان و دختران فقیر و مستمند در خانه برادر و یا فرزند و غیره زندگی بسر کرده وروی دست می‌ماندند.

2- دشمنان اسلام تلاش می‌کنند با دعوت به اینکه نباید با بیش از یک زن ازدواج نمود تعداد جمعیت مسلمانان کاهش یابد و بدینوسیله بتوانند بر مسلمین چیره شوند. و نیز بسیاری از زنان بر اثر ازدواج نکردن به فتنه و فساد و زنا مبتلا می‌شوند. زیرا طبق سرشماریی که انجام گرفته در سطح جهان زنان بیشتر از مردان هستند به ویژه وقتی مردان بر اثر جنگها کشته می‌شوند. به همین دلیل بود که بعد از جنگ جهانی اول، زنان در آلمان تظاهرات کردند و خواستار ازدواج یک مرد با چند زن شدند.

3- تعدد ازدواج و نکاح با بیش از یک زن موافق با شرایط این زمان است زیرا تعداد جمعیت هر ملتی به اهمیت آن در جهان می‌افزاید و هر چند تعداد افرادش بیشتر باشد قدرتش بیشتر می‌گردد و نیز جنگهای فلسطین و عراق و بوسنی و هرزگوین و کشمیر و افغانستان باعث گردیده که تعداد

مردان کم شود زیرا بسیاری از مردان در این جنگها کشته شدند و بر اثر این جنگها زنان بسیاری بیوه شده‌اند که شوهرانشان را از دست داده‌اند بنابراین اسلام، از مسلمین می‌خواهد که اینها را نگذارند که از گرسنگی به فتنه و فساد مبتلا روی بیاورند بلکه با بیش از یک زن ازدواج نمایند تا مشکل رفع گردد.

زن یا شمشیر دو لبه

1- دشمنان اسلام در هر زمان تلاش کرده‌اند که به هر وسیله ممکن مسلمین را با احکام دین اسلام بیگانه کنند، یکی از مهمترین وسیله‌هایی که دشمن برای بیگانه ساختن مسلمین از دینشان بکار گرفته استفاده ابزاری از زن بوده است. زیرا نیمی از جمعیت مسلمین را زنان تشکیل می‌دهند و از طرفی زنان، مادر فرزندان و مردان مسلمان هستند که آنها را تربیت می‌کنند، بنابراین اگر زن صالح و نیکو باشد جامعه درست خواهد بود و اگر زن نادرست و فاسد گردد جامعه را نیز فساد در بر خواهد گرفت در نهایت جامعه فرو خواهد پاشید اینجاست می‌بینیم که دشمنان اسلام تمام تلاشهای خود را بوسیله رسانه‌های جمعی؛ تلویزیون، ویدیو، آنتن‌های ماهواره‌ای، تهیه و توزیع فیلمهای غیر اخلاقی برای به فساد کشاندن زن صرف می‌نمایند.

2- شیاطین غربی به کمک شیاطین دست نشانده شرقی خود توانسته‌اند برخی از زنان مسلمان را بوسیله تبلیغات فرهنگی به انحراف بکشند، و آنها را از رعایت حجاب و عفت و شرافت عاری کردند و به میدانهای کار کشانیدند و از او وسیله‌ای تبلیغاتی برای رونق بازارهایشان ساختند. که در نتیجه فاسد شدن زن مسلمان، خانواده و جامعه نیز دچار انحراف اخلاقی گردید و نصرت و امداد الهی از امت اسلامی برداشته شد و خشم و نارضایتی خداوند بر آنها وارد گردید. و بعد از اینکه ما مسلمانها سر افرازترین ملتها بودیم، اکنون ذلیل‌ترین ملت هستیم و چه زیبا گفته است امیرالمؤمنین عمر بن الخطاب2: «ما ملتی هستیم که خداوند ما را بوسیله اسلام عزت بخشید و اگر ما عزت و سر افرازی را در دیگر چیزها جستجو کنیم خداوند ما را ذلیل خواهد کرد.»

3- فراموش نکنیم که در گذشته نیز (و تاریخ و تمدن‌ها و ملل گذشته نشان می‌دهد) انحراف زن یا منحرف شدن بویسیله زنان مهمترین اسباب فروپاشی و تکه پاره شدن تمدن‌های قدیم بوده است، و بر اثر فساد زن در جامعه، عذابهای الهی و امراض مهلک به سراغ آن ملتها آمده است، همچنانکه یونان و روم و فارس و هندو و بابل و غیره در قدیم بدان مبتلا شده‌اند.

{ P - به کتاب حجاب سید ابوالاعلی مودودی صفحه 36 - 8 مراجعه شود 4 {P- چنانکه می‌بینیم و می‌شنویم که همواره سیل‌های خروشان غضب الهی یکی از شهرهای ایتالیا را که به فساد و روسپیگری معروف است تهدید{ P - شهر ونیز در ایتالیا P} می‌کند. همچنین خشم و غصب

الهی بصورت زلزله و عذاب‌های دیگر و جنگهای فلاکت‌بار و خونین دامنگیر کشورهای اسلامی نیز شده است و تا ما به خدا روی نیاوریم و زنان امت توبه و استغفار ننمایند این عذابها همچنان ادامه خواهند داشت.

5- زن دارای استعداد خوبی است و اگر وظیفه‌اش را که تربیت فرزندان جامعه است به خوبی انجام دهد، این شایستگی را دارد که امتی را بسازد.

و برعکس اگر اخلاقش فاسد گردد و وظیفه‌هایی را که بر عهده دارد رها کند می‌تواند امتی را از بین ببرد. پیامبر« فرموده است: (ان الدنیا حلوة خضرة، و ان اللّه مستخلفکم فیها، فینظر کیف تعملون، فاتقوا الدنیا واتقوا النساء فان اول فتنة بنی اسرائیل کانت فی النساء) همانا دنیا سرسبز و { P - مسلم P} شیرین است و خداوند شما را بر آن خلیفه گردانده تا ببینید که چگونه رفتار می‌کنید، پس بپرهیزید از دنیا و بپرهیزید از زنان زیرا اولین فتنهای که بنی اسرائیل بدان مبتلا شدند زنان بودند.

و نیز فرموده: (ما ترکت من فتنه بعدی فی الناس اضر علی الرجال من النساء) بعد از درگذشت من خطرناکترین فتنه‌ای که برای مردان از همه { P - بخاری P} چیزمضرتر است زنان می‌باشند.

6- می‌توان گفت که زن خوب، یک امت است زیرا نیمی از جمعیت مردم را زن تشکیل می‌دهد و نیمی دیگر را نیز او به دنیا می‌آورد و تربیت می‌نماید.

فساد مردان و زنان

دشمنان اسلام برای به فساد کشاندن زن از روش‌ها و راههای متعدد و بی‌شماری استفاده کرده‌اند و هدف همه این توطئه‌ها و نقشه‌های از پیش طراحی شده به انحراف کشاندن زن مسلمان و جدا کردن وی از دین و اخلاق و عفت است.

لباسها و مدهای نیمه عریان یکی از این وسیله‌های مهلک است، دشمنان خوب می‌دانند که زنان به پوشیدن پیراهن کوتاه که بدن در آن نیمه عریان شود علاقه دارند...

و نیز آنها می‌دانند که زنان به انواع وسایل آرایش علاقه‌منداند تا با ظاهر شدن در کارگاهها، کارخانه‌ها و مراکز تجاری به راحتی مردان را به فتنه مبتلا کند.

زن هنگامی که سر کارش می‌رود طبق عرف روز انواع لباسهای جذاب و مدلهای مختلف را می‌پوشد و نیز موهایش را به نمونه‌های مختلفی در آورده و شانه می‌زند و دیگر آرایشها را برای زیبا جلوه دادن خود انجام می‌دهد.

خلاصه اینکه حقوق ماهیانه‌اش صرف می‌شود تا او بتواند با قیافه‌ای زیبا و جذاب ظاهر شود. در ضمن اینکه بیشتر لباسها و وسایل آرایشی از کشورهای بیگانه و دوستداران صهیونیزم وارد

کشورهای اسلامی می‌شود. با این چیزها سرمایه مسلمین را از دستشان خارج می‌کنند که در اثر آن هم ضرر مالی می‌کنند و هم دچار خسارتهای اخلاقی می‌شوند و بسیاری از زنان مسلمان با استفاده از لباسهای بیگانگان خود را مانند کفار و شبیه آنان در می‌آورند و پیامبر« فرموده است:

(لترکبنّ سنن من قبلکم شبرا بشبرٍ و ذراعا بذراعٍ حتی لو أن احدهم دخل جحر ضب لدخلتم و حتی لو ان احدهم جامع امراته بالطریق لفعلتموه)

{ P – صحیح الجامع آلبانی رحمهٔ اللّه علیه این حدیت را صحیح دانسته و درسلسله احادیث صحیحه ذکر کرده است. P} شما از شیوه زندگی امت‌های گذشته وجب به وجب و گز به گز پیروی خواهید کرد حتی اگر یکی از آنها در سوراخ سوسماری داخل شده شما هم داخل خواهید شد و حتی اگر کسی از آنها با زنش سر راه آمیزش کرده شما هم چنان خواهی کرد.

و نیز فرمود: (ما ترکت فتنهٔ بعدی اضر علی الرجال من النساء) بعد{ P – متفق علیه P} از درگذشت من زنان خطرناکترین فتنه برای مردان خواهند بود.

مسئولیت زن مسلمان

1) اسلام به زن کرامت بخشیده و کار بسیار مهمی را در خانه‌اش به عهده زن گذاشته است. آن کار بزرگ، تربیت فرزندان است، چه می‌دانی؟ شاید کودکی را که مادر تربیت می‌کند آینده درخشان و بزرگی خواهد داشت، شاید این کودک در آینده ریاست حکومت یا فرماندهی ارتش را بدست بگیرد یا هر کار بزرگی که قوام جامعه به آن مرتبط است انجام دهد، اینجاست که یکی از دانشمندان گفته است: زنی که با دستانش گهواره کودکی را تکان می‌دهد، در واقع کره زمین را می‌جنباند.

و شاعر چه زیبا سروده است:

الام مدرسهٔ اذا اعددتها

اعددت شعبا طیب الاعراق

یعنی: مادر مدرسه‌ای است که با ساختن آن می‌توانی نسل دارای ریشه پاکی را تربیت نمایی.

زن اگر در خانه‌اش فرزندان خود را خوب تربیت کند کار بسیار بزرگی انجام داده است کاری که وظیفه و شغل فطری زن می‌باشد و او به آن علاقه‌مند است و آنرا دوست دارد.

2– خانه داری: یکی از مسئولیتهای مهم زن خانه داری است او فضای داخل خانه را برای خود، فرزندان و شوهرش تبدیل به بهشتی می‌سازد که همه در آن احساس آرامش کنند، مسئول تهیه مخارج و دیگر نیازهای منزل و همسرش می‌باشد.

پس مرد مسئول زنش می‌باشد و زن مسئول خانه است و هر یک از آنها طبق ویژگی‌های فطری خود از وظیفه محول شده خود مسئول است.

پیامبر« فرموده: (کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته فالام راع و هی مسئولة عن رعیته و الرجل راع فی اهله و هو مسئول عن رعیته والمرأة راعیة فی بیت زوجها و هی مسئولة عن رعیتها) همه تان شبانید و هم از{ P – متفق علیه P} زیر دستان خود مسئول هستید مادر شبان است و از زیر دست خود مسئول است و مرد در خانه‌اش شبان است و از زیر دست خود مسئول می‌باشد و زن در خانه شوهرش مسئول است و از آن پرسیده خواهد شد.

نتیجه کارهای زن بیرون از خانه

کار کردن زن بیرون از خانه نتیجه‌های منفی برای زن و خانواده و جامعه در بر خواهد داشت که می‌توان آن را بدینصورت خلاصه نمود:

1- ایجاد مزاحمت برای مردان در اتوبوس‌ها و در کار: و گاهی زن خسته از پای در می‌آید، و نیز گاهی بر اثر شلوغی و کار زیاد در معرض خطر قرار می‌گیرد و بعضی خصوصیت‌های زنانه در زیبایی اش را از دست می‌دهد.

2- زنی که بیرون از خانه کار می‌کند نمی‌تواند کارهای خانه‌اش را بخوبی انجام دهد و نیز نمی‌تواند فرزندانش را تربیت نماید و به آنها رسیدگی کند، که رفته‌رفته شوهر از همسرش بدلیل نپرداختن به امور خانه داری و تربیت فرزندان دلسرد می‌شود و نهایتا منجر به طلاق و جدایی می‌گردد و یا اینکه با زنی دیگر ازدواج می‌کند.

3- گاهی اشتغال زن در بیرون از خانه سبب طلاق و جدایی و فرو پاشیدن خانواده و پراکنده شدن بچه‌ها می‌شود زیرا ممکن است زن در محل کارش به مردی دیگر علاقه‌مند شود چون شیطان مانند خون در بدن انسان حرکت می‌کند.

4- کار کردن زن بیرون از خانه باعث می‌شود تا مادر از بچه هایش جدا شود در نتیجه فرزندان از مهر مادری و تربیت مادر محروم می‌شوند و در نهایت منحرف گشته و دست به ارتکاب جرایم می‌زنند، همانگونه که در جوامع غربی کار کردن زن در بیرون از خانه چنین نتیجه‌هایی منفی بر جای گذاشته است.

5- از آثار بد کار کردن زن در بیرون از خانه، از دست دادن کودک است مادر وقت کارش فرا رسیده و کودک مریض است، مادرش را صدا می‌زند و می‌گوید مرا در خانه تنها برای چه کسی می‌گذاری؟ اما، مادر مجبور است که سر کارش برود و کودک همچنان فریاد می‌زند مادر مادر؟

هنگامی که مادر از سر کار به خانه بر می‌گردد با جسد بی‌روح کودکش روبرو می‌شود که زندگی را بدرود گفته است، مادر غمگین می‌شود و برای از دست دادن کودکش گریه می‌کند و از کارش

پشیمان می‌گردد و با خود می‌گوید فایده این کار و حقوق چیست؟ پولی که باعث مرگ کودکم و از دست دادن عزیزترین سرمایه‌ام می‌شود چه سودی دارد؟

زن یکی از عوامل بیکاری در جوامع غربی

1- در جوامع غربی، زنان به تمام میدانهای کار وارد شده‌اند بنابر این آمار بیکاری در این جوامع بسیار بالا رفته است، که کنترل رشد فزاینده بیکاری برای اقتصاد دانان مشکل گردیده است، علت اصلی رشد بیکاری در این جوامع هجوم زنان به میدان‌های کار است که باعث ایجاد مزاحمت برای مردان در اداره‌های دولتی و شرکت‌ها و کارخانه‌ها و دیگر مؤسسات شده است.

2- بحران‌های اقتصادی که جوامع غربی دچار آن شده‌اند، آنها را بر آن داشته تا بسیاری از کارمندان و کارگران خود را اخراج کنند، و آنها معمولا بیشتر مردان را از کار اخراج می‌کنند. چون مدیران شرکت و کارخانه‌ها و مراکز تجاری زنان را بر مردان ترجیح می‌دهند، چون کارمند زن با جذابیت خاص زنانه خود مشتریان زیادی را جلب می‌کند.

3- متاسفانه کشورهای عربی و اسلامی نیز قدم به قدم از جوامع غربی تقلید می‌کنند و زنان را به عرصه‌های کار و اشتغال در اداره‌های حکومتی وارد نموده‌اند، حتی بسیاری از وکلاء و نیز بیشتر کارکنان شرکت‌ها و مؤسسه‌های خصوصی و عمومی و کارگاهها را زنان تشکیل می‌دهند این امر باعث شده تا مردان که مسئولیت تهیه مخارج خانواده به عهده شان است، بیکار بمانند و در چنین اماکنی که زن و مرد با هم یکجا هستند بر اثر اختلاط آنها، فساد اخلاقی انتشار پیدا نموده و روابط زن و شوهر بر اثر این اختلاط تیره گردیده است.

خطر اختلاط زن و مرد در مدارس

اختلاط زن و مرد و دختر و پسر به ویژه در مدارس:

1- دانشکده کشاورزی یکی از کشورهای عربی و اسلامی، دانشجویان دختر و پسر را برای آموزش به مزرعه‌ای می‌برد، یکی از دانشجویان پسر همراه دانشجوی دختر بعد از تعطیل شدن کلاس، به قسمت دستشویی‌ها می‌روند تا آنجا با همدیگر تنها بمانند، نگهبان مزرعه متوجه می‌شود که آن دانشجو همراه دوست دخترش وارد دستشویی شد، که با دستگیری آنها دختر رسوا می‌شود.

2- بسا اوقات معلمین (آقایان و خانمها) در یک اتاق جمع می‌شوند و با یکدیگر شوخی می‌کنند و می‌خندند که بر اثر این عمل، فساد بروز می‌کند و گاهی شوهران از زنان خود متنفر می‌شوند و علاقه خود را نسبت به همسر خود از دست می‌دهند زیرا با زنان زیباتری در محیط کار و جایی که با هم دیگر صحبت شده، آشنا می‌شوند که در نهایت منجر به طلاق و جدایی می‌شود و سبب

جدایی این زن و شوهر در حقیقت همان خانم معلمی بوده که حجاب را رعایت نمی‌کرده و با آقا معلم هم صحبت و دوست شده است.

3- حتی کودکان که در کلاسهای ابتدایی درس می‌خوانند و معلمشان خانم است وقتی به کلاسهای بالاتری می‌روند و در کلاس جدید آن خانم دیگر معلم آنها نیست با معلم جدید خود رفتار و حرکات خانم معلم قدیم را تعریف می‌کنند که چگونه خودش را کج می‌کرد و ما رانها و ساق پاهای او را نگاه می‌کردیم.

خداوند سرزمین حجاز را تاکنون از این اختلاط مضر در تمام مقاطع تحصیلی در امان قرار داده است و بحمداللّه دختران دانشجوی عربستان بسیار پای‌بند اخلاق و حجاب اسلامی هستند.

شرایط اشتغال زن مسلمان در بیرون از خانه

اسلام زن را به بهترین صورت مورد اکرام قرار داده است و اجازه داده تا در میان خانواده و جامعه به عنوان عنصری مطلوب و اساسی در ساختن خانواده مسلمان و جامعه و حکومت اسلامی فعالیت نماید.

دین مبین اسلام اشتغال زن را قطعا ممنوع نکرده است بلکه اسلام روش و نوع کار زن را مشخص نموده به گونه‌ای که مناسب با طبیعت و فطرت خدادادی زن باشد اسلام شرایطی برای کار کردن زن در نظر گرفته است که حافظ کرامت و شرافت زن می‌باشد.

شرایط اشتغال زن در بیرون از خانه:

1- در محل کار نباید زن و مرد مخلوط باشند زیرا اختلاط زن و مرد برای اخلاق و دین مضر است.

2- کار کردن زن بیرون از خانه باید با اجازه و موافقت شوهر یا پدر و یا برادر و یا هر کسی که مسئول آن زن می‌باشد هماهنگ گردد.

3- کار زن باید مناسب با طبیعت زن و در اندازه توانش باشد و کارهای طاقت فرسا و سخت و خسته کننده که در توان زن نیست نباید به انجام آن اقدام کند.

4- زن باید در قسمت هایی کار کند که جامعه از کار او بهره‌مند شود مثلا:

الف - در قسمت آموزش و پرورش دختران تا بجای مردان، زنان آنها را آموزش بدهند.

ب) در قسمت پزشکی و پرستاری زنانه تا زنان را پزشکان زن معالجه کنند نه پزشکان مرد.

ج) خیاطی زنانه: تا زنان مجبور نشوند به خیاطهای مرد برای دوختن لباسشان مراجعه کنند.

د) کارش نباید بیشتر وقتش را در بر گیرد، بلکه باید قسمت اعظم از اوقات خود را صرف خانه داری و رسیدگی از شوهر و تربیت فرزندانش بنماید.

ه') هنگام رفتن سرکار، خودش را آرایش نکند و عطر و خوشبویی استعمال ننماید بلکه لباس سیاه و بلند و گشاد بپوشد و در هنگام دیدن مردها چهره‌اش را بپوشاند.

انتخاب همسر

1– در ازدواج نباید زن مال و مقام و زیبایی را معیار قرار دهد بلکه کسی را به شوهری انتخاب کند که دیندار باشد، زیرا پیامبر« فرموده است: (اذا أتاکم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه، الا تفعلوا تکن فتنة فی الارض و فساد کبیر) هرگاه کسی برای خواستگاری دخترتان آمد که شما او را از { P – حسن رواه الترمذی و غیره P} نظر اخلاقی و دینی می‌پسندیدید دختر خود را به ازدواج او در بیاورید و اگز چنین نکنید فتنه و فساد بزرگی زمین را فرا خواهد گرفت.

2– شوهر دیندار اگر زن را دوست داشته باشد او را در امور دنیا و آخرت کمک خواهد کرد.

3– شوهر اگر دیندار باشد گرچه ممکن است زنش را دوست نداشته باشد اما لااقل او را ناپسند نمی‌داند و بر او ظلم نمی‌کند و او را تحقیر نمی‌نماید زیرا شوهر دیندار به گفته‌های پیامبر« عمل می‌کند که فرموده است: (لا یفرک مؤمن مؤمنة، ان کره منها خلقا رضی منها آخر) هیچ مرد مؤمنی از زن{ P – مسلم P} مؤمنش متنفر نمی‌شود، زیرا اگر در بعضی موارد اخلاقش را نمی‌پسندد در جایی دیگر مورد پسندش می‌باشد.

4– شوهر دیندار زن را در امور تربیت درست و اسلامی به فرزندان کمک می‌نماید.

5– خواهرم! اگر شوهرت دیندار باشد اسلام سرنوشت‌ساز زندگی شما خواهد بود و سعادت دنیا و آخرت را برایتان تضمین خواهد کرد.

6– خواهرم! اگر اشتباهی از تو سر زند، شوهر متدین تو را نصیحت خواهد نمود و راه درست را به تو نشان می‌دهد، بنابر این برای ازدواج مردی را انتخاب کن که دیندار باشد.

7– مرد مسلمان باید زن نیکو و متدین و با حجاب را برای همسری انتخاب نماید زیرا چنین زنی خانه و خانواده‌اش را از فساد حفاظت می‌نماید، و چنین زنی حق شوهر را بجای می‌آورد، زیرا او از گفته‌های پیامبر« را بیاد آور که فرموده است: «تنکح المرأة لاربع: لمالها و لحسبها و لجمالهاو لدینها، فاظفر بذات الدین تربت یداک» بر اساس چهار ویژگی مردم با زن ازدواج { P – متفق علیه P} می‌نمایند: یا بخاطر مالش و یا به خاطر نسب و نژاد و یا به خاطر زیبایی و یا به خاطر دینداری، با انتخاب زن دیندار به موفقیت دست یابید.

شخصیت و اخلاق و درون ارزش دارد نه قیافه و صورت ظاهری، آنحضرت« فرموده‌اند: «ان اللّه لا ینظر الی صورکم و اجسامکم ولکن ینظر الی قلوبکم و اعمالکم» (خداوند به قیافه و چشم و شما نگاه نمی‌کند{ P – مسلم P} بلکه به دلها و اعمالتان نظر دارد.)

آزادی زن در انتخاب شوهر

اسلام زن را مورد اکرام قرار داده است و حق زن در انتخاب شوهر را محفوظ داشته و به نظر و خواست زن در انتخاب شوهر که حساس‌ترین مرحله در زندگی است احترام گذاشته است، زیرا آینده زن به انتخاب شوهر بستگی دارد و اسلام اینگونه به زن در انتخاب شوهر آزادی داده است:

اجازه گرفتن از دوشیزه در ازدواج: دختر باکره حق انتخاب شوهر و اظهار نظر در موضوع ازدواج را دارد، حضرت عایشه رضی‌اللّه‌عنها می‌گوید: من از پیامبر« در مورد دختری که خانواده‌اش او را در نکاح کسی در می‌آورند پرسیدم که آیا از او اجازه گرفته شود یا نه؟ پیامبر« به حضرت عایشه رضی‌اللّه‌عنها گفت: بله از دخترها اجازه گرفته می‌شود. حضرت عایشه رضی‌اللّه‌عنها گفت من به پیامبر« گفتم دختر از شرم و حیا چیزی نمی‌تواند بگوید. پیامبر« فرمود اگر ساکت بنشیند به معنی این است که رضایت دارد.

{ P – بخاری – النکاح 1 {P– دختر کم سن و سال: پدر می‌تواند دختر کم سن خود را بدون اجازه به عقد کسی در بیاورد، حافظ ابن حجر می‌گوید: زیرا اجازه گرفتن از کسی که چنان کم سن و سال است که نمی‌داند اجازه خواستن یعنی چه، معنی ندارد و سکوت و ناراضی چنین فردی یکسان و برابر است. و نیز در قرآن آمده{ P – فتح الباری P 193/9} است: (وانکحوا الایامی منکم)

{ P – نور: P 33} ایم در زبان عربی یعنی زنی که شوهر ندارد فرقی نمی‌کند کوچک باشد، یا بزرگ. پس این آیه دلیلی است بر اینکه پدر می‌تواند دختر کوچکش را بدون اجازه به عقد کسی در بیاورد، در حدیث نیز آمده است: که ابوبکر2 عایشه رضی‌اللّه‌عنها را به عقد پیامبر« در آورد در حالی که عایشه دختری شش ساله بود و در سن نه سالگی به خانه پیامبر« برده شد.

{ P – متفق علیه 2 {P– زن بالغ و بیوه: زنی است که یک بار ازدواج کرده اما از شوهرش جدا شده و طلاق گرفته است، جایز نیست که چنین زنی را بدون اجازه و رضایتش به عقد کسی در آورد.

و باید رضایت خود را با زبانش بگوید، زیرا پیامبر« فرموده است: (لا تنکح الایّم؛ حتی تستأمر)

{ P – بخاری P} حافظ ابن حجر می‌گوید ظاهر حدیث این مفهوم را می‌رساند که «ایم» زن بیوه‌ای است که شوهرش فوت کرده و یا از شوهرش طلاق گرفته است. و نکاح چنین زنی جایز نیست تا زمانی که از او اجازه گرفته شود.

{ P – فتح الباری P 192/9} اگر ولی و سرپرست چنین زنی او را بدون اجازه‌اش به عقد کسی در بیاورد نکاح صحیح نیست. از خنساء بن خدام انصاری رضی‌اللّه‌عنها روایت شده است: (ان اباها

زوجها و هی ثیب، فکرهت ذلک، فأتت رسول اللّه فردّ نکاحها) پدرش او را با اینکه بیوه بود به ازدواج کسی در آورد و او{ P – بخاری P} نمی‌پسندید بنابراین نزد پیامبر آمد و آنحضرت نکاحش را فسخ کرد.

3– دختر دوشیزه‌ای که به سن بلوغ رسیده است: برای ولی و سرپرست او جایز نیست که او را به نکاح کسی در بیاورد تا زمانی که رای و نظر دختر را نپرسیده است، زیرا پیامبر« فرموده است: (لا تنکح الکبر حتی تستاذن و الثیب حتی تستأمر فقیل له؛ ان البکر تستحی فقال اذنها صماتها و فی روایهٔ البکر یستأذنها ابوها) دختر باکره بدون اینکه از او اجازه گرفته شود و زن{ P – بخاری P} بیوه تا وقتی از او مشوره گرفته نشده به نکاح کسی در آورده نشود گفته شد دختر باکره از خجالت نمی‌تواند اظهار نظر کند. فرمود: سکوت دختر باکره به معنی اجازه است و در روایتی امده از دختر باکره پدرش اجازه می‌گیرد.

پیامبر« و اکرام دختران

پیامبر« پدران و مربیان را دستور داده تا با دختران به نیکی رفتار کنند و به آنها توجه نمایند و فرموده است: «من عال جارتین حتی تبلغا جاء یوم القیامهٔ انا و هو و ضم اصابعه – أی معا» هر کسی دو دختر تحت تکفل{ P – مسلم P} خود گرفته و آنها را پرورش دهد تا که به سن رشد برسند روز قیامت در حالی می‌آید که من و او چنین هستیم و انگشتانش را به هم چسپاند. (یعنی در کنار هم هستیم)

و نیز فرموده است: (من عال جارتین حتی یدرکا، دخلت انا و هو الجنهٔ کهاتین) هر کسی دو دختر را پرورش دهد تا وقتی بزرگ شوند من و او{ P – مسلم P} چنین وارد بهشت می‌شویم (با چسباندن دو انگشت اشاره نمود)

و نیز فرموده است: (من کان له ثلاث بنات فصبر علیهن و اطمعهن و سقاهن و کساهن من جدته – (یعنی ماله) – کن له حجابا من النار) هر{ P – صحیح الجامع الشیخ آلبانی رحمهٔ اللّه علیه P} کسی سه دختر داشت و بر آنها صبر نمود و به آنها از دسترنج خویش غذا داد و آب نوشاند، آن دختران مانعی خواهند بود از ورود آن مرد به آتش جهنم.

و فرموده: (من ابتلی من هذه البنات بشیء فاحسن الیهن، کن له سترا من النار) هر کسی با این دختران مورد آزمایش قرار گرفت و با آنها به{ P – متفق علیه P} نیکی رفتار کرد آنها مانعی خواهد بود برای او از عذاب جهنم.

و عایشه رضی‌اللّه‌عنها گفته است: «جاءت مسکینهٔ تحمل ابنتین لها، فاطعمتها ثلاث تمرات، فاعطت کل واحد تمرهٔ و رفعت الی فیها تمرهٔ لتاکلها فاستطعمتها ابنتاها، فشققت التمرهٔ التی کانت تریدان تاکلها بینهما، فأعجبنی شأنها فذکرت الذی صنعت لرسول اللّه« فقال: ان اللّه قد وجب لها

الجنۀ و اعتقها من النار» زنی فقیر در حالی که دو دختر همراه داشت آمد من به او{ P – متفق علیه P} سه دانه خرما دادم، آن زن به یکی از دخترانش یک دانه خرما داد و یک دانه خرما را به دهان گرفت که خودش بخورد دخترانش آن خرما را خواستند، آن زن دانه خرمایی را که می‌خواست بخورد میان دو دخترش دو نیم کرد و به هر یک نصفی داد، این عملش مرا پسند آمد و آنرا برای پیامبر ذکر نمودم، پیامبر فرمود: خداوند با این عملش بهشت را برای او واجب و جهنم را از او دور ساخت.

محمد بن سلیمان گفته است پسران نعمت اند و دختران نیکی هستند خداوند در مورد نعمت از انسان حساب می‌گیرد و نیکی را پاداش می‌دهد.

قرآن و اکرام زنان

اسلام زنان را محترم قرار داده و از ناپسند دانستن دختران و غمگین شده هنگام ولادت دختران نهی کرده و این بدشگونی از سنت‌های دوران جاهلیت بوده است. خداوند متعال می‌فرماید:

(و اذا بشر احدهم بالانثی ظل وجهه مسودا و هو کظیم یتواری من القوم من سوء ما بشر به ایمسکه علی هون ام یدسه فی التراب الا ساء ما یحکمون)

{ P – النمل: 79 P} و هنگامی که به آنان مژده تولد دختر داده می‌شد صورتش سیاه رنگ می‌گردید و مملو از خشم و غضب و اندوه می‌شد از قوم و قبیله خود به خاطر این مژده بدی که به اوم داده می‌شد خویشتن را پنهان می‌کرد آیا این ننگ را بر خود بپذیرد و دختر را نگاه دارد و یا او را در زیر خاک زنده بگور سازد؟ هان چه قضاوت بدی که می‌کردند!

این کار بر اثر ضعف ایمان و سستی یقین می‌شود، زیرا آنها به قسمت خداوند که بهره آن را دختر قرار داده راضی نیستند، عجب اینجاست که امروز نیز بعضی از مردان و زنان مسلمان از متولد شدن دختر ناراحت می‌شوند و دوست دارند فرزند پسر داشته باشند گویا آنها گفته خداوند را نشنیده‌اند که فرموده است:

(للّه ملک السموت و الارض یهب لمن یشاء اناثا و یهب لمن یشاء الذکور او یزوجهم ذکرانا و اناثا و یجعل من یشاء عقیما انه علیم قدیر)

{ P – شوری 49-50 P} مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن خدا است هر چه بخواهد می‌دهد و به هر که بخواهد دخترانی می‌بخشد و به هر کس که بخواهد پسرانی عطا کند و یا آنکه هم پسران می‌دهد و هم دختران و خدا هر که را بخواهد نازا می‌کند او بس آگاه و توانا است.

خداوند ختران راهبه و بخشش نامیده است بنابر این شکر خداوند را باید بجا آورد وهبه الهی از هر چیز بیشتر شایسته پذیرفتن است.

واثلهٔ بن اسقع می‌گوید: دختران باید افتخار نمایند که خداوند اسم آنها را قبل از اسم پسران ذکر کرده و فرموده است: (یهب لمن یشاء انثا و یهب لمن یشاء الذکور)

{ P – الجامع لاحکام القرآن P} مادر از همکاری و مساعدت دختر بیشتر استفاده می‌کند تا از همکاری پسر، زیرا دختر به مادرش نزدیک‌تر است و در خانه بیشتر کمک می‌کند.

از ابن عمر2 روایت شده است که: مردی که دارای چند دختر بود نزد وی زندگی می‌کرد آن مرد گفت کاش که دخترانم می‌مردند، ابن عمر2 خشمگین شد و گفت: آیا مگر تو روزی آنها را می‌دهی؟

{ P – بخاری – ادب المفرد P} امام ابن قیم جوزی؛ می‌گوید: هیچ زن و شوهر از این چهار حالت خارج نیستند، یا فرزندشان دختر است و یا پسر، یا پسر و دختر و یا عقیم و نازا هستند، و در هر حال فرزند چه پسر و چه دختر، بخششی است از جانب خداوند که شاید انسان از بخشش خدا ابراز ناخشنودی کند. خداوند در قرآن ذکر دختر را مقدم بر ذکر پسر آورده است، چون در زمان جاهلیت زنان ارزشی نداشتند و دختران را زنده به گور می‌شدند. بنابراین خداوند متعال اعلام داشت که دختران از دیدگاه شما موجودی بی‌ارزش محسوب می‌شوند ولی از نظر من خیلی باارزش‌اند. و زنان را به صورت نکره ذکر کرده، تا نقص زن بودن با تقدم نام جبران شود و مردان را با کلمه معرفه ذکرنمود تا عدم ذکرشان در اول جبران گردد.

{ P – نگاه کنید به تحفهٔ المودود باحکام المولود ص 21–20 P} ابن قیم می‌گوید خداوند در مورد زنان فرموده است:

(فان کرهتموهن فعسی ان تکرهوا شیئا و یجعل اللّه فیه خیرا کثیرا)

{ P – نساء: 19 P} و اگر هم از آنها کراهت داشتید چه بسا از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر و خوبی فراوانی قرار بدهد.

و چنین است حال فرزند دختر اینگونه هستند، شاید خداوند خیر دنیا و آخرت را برای بنده‌اش در وجود فرزندان دختر قرار داده است، و چیزی که خداوند پسندیده و به بنده‌اش بخشیده است ناپسند دانستن‌آن نادرست است.

{ P – تحفهٔ المودود ص 26 P} و شاید به همین خاطر است که پیامبر« از تبریک گفتن کسی که تازه ازدواج کرده با عبارت: (بالرفاء و البنین) (مبارک باد، خداوند به شما پسران خوبی بدهد)، نهی کرده است، زیرا در این جمله فقط دعا شده که خداوند پسر بدهد نه دختر، از حضرت حسن2 روایت شده که عقیل2 بن ابی طالب، با زنی از قبیله جشم ازدواج کرد، مردم نزد او آمده و او را با این جمله تبریک گفتند: (بالرفاء والبنین) (مبارک باد، خداوند به شما پسران خوبی بدهد)، عقیل2 گفت اینطور نگویید زیرا پیامبر خدا« این جمله را نهی کرده است، مردم گفتند ما چه بگوییم ای

ابوزید؟ گفت: بگویید خداوند برایتان برکت بدهد، ما در زمان پیامبر« چنین دستور داده شدیم. به روایت{ P – آداب الزفاف شیخ آلبانی؛ ص P 176} احمد و غیره

کرامت زن مسلمان

زنان مسلمان در صدر اسلام افرادی را که در خطر بودند پناه می‌دادند و اسیران را آزاد می‌کردند که همه اینها بیانگر این است که زن مسلمان از نهایت احترام و عزت برخوردار بود، ام هانی بن ابی طالب دو تن از خویشاوندان شوهرش را که محکوم به مرگ بودند پناه داد، او می‌گوید: در سال فتح مکه نزد پیامبر« رفتم دیدم که آنحضرت« مشغول غسل کردن است و فاطمه با لباسش او را می‌پوشاند سلام کردم، پیامبر« گفت چه کسی است؟ گفتم من ام هانی دختر ابو طالب هستم، پیامبر« فرمود: خوش آمدی ای ام هانی! بعد از اینکه پیامبر« فارغ شد برخاست و در حالی که پارچه‌ای به خود پیچیده بود، هشت رکعت نماز خواند، چون نمازش را تمام کرد گفتم: ای پیامبر خدا! برادرم علی2 می‌خواهد مردی را که من پناه داده‌ام به قتل برساند، من بن هبیره را پناه داده‌ام، پیامبر« فرمود: کسی را که تو پناه داده‌ای ما نیز هم پناه دادیم. (بخاری)

ابوالعاص بن ربیع شوهر قبلی دختر پیامبر زینب را که هنوز مسلمان نشده بود و زینب به همین دلیل از او جدا شده بود، به اسارت در آمده بود ابوالعاص از زینب خواست که او را پناه بدهد، زینب به او وعده داد که کاری برایش بکند منتظر ماند تا پیامبر« با مسلمین نماز صبح را بخواند، آنگاه از در خانه‌اش که به مسجد باز می‌شد با صدای بلند آواز داد که من ابوالعاص بن ربیع را پناه داده‌ام، پیامبر« فرمود: ای مردم! شما شنیدید زینب چه گفت؟ مردم گفتند بله، پیامبر« فرمود: سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست من قبلا خبر نداشتم تا آلان که من و شما این کلمات را با هم شنیدیم، سپس ادامه داد که مسلمانان علیه دشمنان خود دست واحدی هستند، و ادنی‌ترین آنها با دیگران برابر است، آنگاه به زینب چنین فرمود: ما نیز پذیرفتیم پناه کسی را که به تو پناه داده‌ای»

سپس وقتی پیامبر« به خانه‌اش وارد شد زینب پیش او رفت و از پیامبر« خواست تا اموال ابو العاص را که به غنیمت گرفته شده بود به وی بر گردانند و پیامبر« نیز چنین کرد، بعد ابو العاص به مکه برگشت و حقوق و دیونی که بر گردنش بود هر یک را به صاحبانش باز گرداند و سپس به مدینه بر گشت و مسلمان شد و پیامبر« همسرش زینب را دوباره به عقد او در آورد.

{ P – سیر اعلام النبلاء ج 1 ص /332 الاصابة 48/7. P}

حرمت قتل زنان در جنگ

دین اسلام، زن را چنان مورد اکرام قرار داده است که کشتن زنان و کودکان و پیرمردان را در جنگ حرام قرار داده است، مگر در صورتی که زنان و کودکان و پیرمردان به جنگ بر خیزند، آنگاه باید با آنها جنگید.

از انس بن مالک2 روایت شده که پیامبر« وقتی لشکری را می‌فرستاد به آنها چنین توصیه می‌کرد: انطلقوا باسم اللّه، لا تقتلوا شیخا خافیا، و لا طفلا صغیرا و لا امرأة، و لا تغلوا، وضحوا غنائمکم و اصلحوا و احسنوا ان اللّه یحب المحسنین

{ P – محقق جامع الصول این حدیث را حسن قرار داده است. P} «بروید به نام خدا، پیرمرد سالخورده کودک و زنان را قتل نکنید و خیانت نکنید و غنائم خود را جمع آوری کنید و اصلاح و نیکی کنید که خداوند کسانی را که نیکی می‌کنند دوست دارد.

و از عبداللّه بن عمر2 روایت شده است:

«وجدت امرأة مقتولة فی بعض مغازی رسول اللّه« فنهی رسول اللّه« عن قتل النساء و الصبیان و فی روایة (فانکر)».»

{ P – متفق علیه P} «در یکی از جنگهای پیامبر« جسد زنی یافته شد، پیامبر با مشاهده آن از کشتن زنان و کودکان نهی فرمود. و در روایتی آمده است که کشته شدن آن زن را ناپسند دانست.»

و عن رباح بن الربیع2 قال: کنا مع رسول اللّه« فی غزوة فرای الناس مجتمعین علی شیء فبعث رجلا فقال: انظر علام اجتمع هؤلاء؟ فجاء فقال: امرأة قتیل، فقال:

«ما کانت هذه لتقتل قال: و علی المقدمة خالد بن الولید، قال: فبعث رجلا فقال: قل لخالد لا تقتلن امرأة و لا عسیفا»

{ P – شیخ آلبانی‌رحمة اللّه علیه در الارواء این حدیث را حسن قرار داده است. P} «از رباح بن الربیع2 روایت شده که گفت: ما، در جنگی همراه پیامبر« بودیم آنحضرت متوجه شد که مردم بر چیزی جمع شده‌اند کسی را فرستاد و گفت: نگاه کن آنها چرا جمع شده‌اند؟ آن مرد برگشت و گفت: زنی کشته شده است، پیامبر« فرمود: نباید این زن کشته می‌شد. خالد فرماندهی دسته مقدم جنگ را به عهده داشت پیامبر کسی را فرستاد و گفت: به خالد بگو: مبادا زن یا برده‌ای را قتل کنی.»

بدینجهت خاورشناس فرانسوی گفته است: تاریخ، هیچ کشورگشا و فاتحی مهربان‌تر از کشورگشایان مسلمان نشناخته است.

اسلام و حفظ نام نیک زن

حفظ آبرو و نیک نامی زن چنان پیش خداوند مهم است که در این مورد قرآن آیه هایی نازل نموده که تا قیامت تلاوت می‌شوند و در این آیات خداوند مردم را از تهمت زدن و پخش کردن شایع بد در مورد زن مسلمان بر حذر داشته است.

چنانکه فرموده است:

(والذین یرمون المحصنات المؤمنات ثم لم یأتوا باربعۀ شهداء فاجلدوهم ثمانین جلدۀ و لا تقبلوا لهم شهادۀ ابدا و اولئک هم الفاسقون)

{ P – سوره نور: آیه P 4} «کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می‌دهند، سپس چهار گواه نمی‌آورند، بدیشان هشتاد تازیانه بزنید و هرگز گواهی دادن آنان را نپذیرید و چنین کسانی فاسق می‌باشند.»

خداوند در این آیه سزای کسی را که به زن مؤمن تهمت می‌زند، هشتاد ضربه شلاق قرار داده، و نیز با نپذیرفتن شهادت تهمت زننده برای همیشه و توصیف او به فسق، سزایش را تشدید نموده است. خداوند تنها به این سزا بسنده نکرده، بلکه: چنین افرادی را که زنان پاکدامن را تهمت می‌زنند تهدیدهای شدیدتری نموده است:

(ان الذین یرمون المحصنات الغافلات المؤمنات لعنوا فی الدنیا و الآخرۀ و لهم عذاب عظیم یوم تشهد علیهم السنتهم و أیدیهم و ارجلهم بما کانوا یعملون، یومئذ یوفیهم اللّه دینهم الحق و یعلمون ان اللّه هو الحق المبین)

{ P – نور آیه P 23} «کسانی که زنان پاکدامن و بیخبر از گناه مؤمن را به زنا متهم می‌سازند در دنیا و آخرت از رحمت خدا دور و عذاب عظیمی دارند. در آن روزی که علیه آنان زبان ودست وپای ایشان بر کارهائی که کرده‌اند گواهی می‌دهند در آن روز خداوند جزای واقعی آنان را بی‌کم و کاست بدیشان می‌دهد و آکاه می‌گردند که خداوند حق آشکار است.

و در قضیه افک خداوند، پاک دامنی عایشه را نازل کرد و فرمود:

(ان الذین جاءوا بالافک عصبۀ منکم لا تحسبوه شرا لکم بل هو خیرلکم لکل امری منهم ما اکتسبت من الاثم، والذی تولی کبره منهم له عذاب عظیم)

{ P – نور: P 11} «کسانی که این تهمت بزرگ را پرداخته و سر هم کرده‌اند، گروهی از خود شما هستند، اما گمان مبرید که این حادثه برایتان بد است بلکه این مسأله برایتان خوب است و هر کدام از آنان به گناه کاری که کرده است گرفتار می‌آید و کسی که بخش عظیمی از آن را به عهده داشته است، عذاب بزرگ و مجازات سنگینی دارد.»

وحی زن را کمک می‌کند

خداوند متعال بوسیله وحی، ستمی را که در گذشته به زنان می‌شده از آنان دور کرده و حقش را به او باز گردانده است. از حضرت عایشه رضی‌اللّه‌عنها روایت شده است: بلند وباعظمت است خداوند که همه چیز را کامل شنید، گویا اکنون من سخن خوله دختر ثعلبه را می‌شنوم و بعضی از کلماتش را نمی‌شنوم که پیش پیامبر« از همسرش شکایت می‌کرد می‌گفت: «ای پیامبر خدا« شوهرم مالم را خورد، و جوانی ام را از بین برد، چندین فرزند از شکم من برایش متولد شد تا اینکه سن من بالا رفت و پیر شدم و دیگر بچه به دنیا نمی‌آورم، آنگاه شوهرم مرا بر خود حرام کرد!!! بار خدایا من به تو شکایت می‌کنم». عایشه می‌گوید دیری نگذشت که جبرئیل این آیه را آورد:

(قد سمع اللّه قول التی تجادلک فی زوجها و تشتکی الی اللّه واللّه یسمع تحاورکما ان اللّه سمیع بصیر)

{ P – مجادله: آیه /1 بخاری و غیره P} «خداوند گفتار آن زنی را شنید و پذیرفت که درباره شوهرش با تو بحث و مجادله می‌کند و به خدا شکایت می‌برد.»

در تایید این زن نیک که پیش خداوند شکایت کرد و در مورد آنچه میان او و شوهرش اتفاق افتاده بود با پیامبر« مجادله نمود وحی نازل شد، خداوند بلا فاصله شکایت او را جواب داد؛ آری زن مومن و مسلمان اینگونه است و هرگاه مشکلی برایش پیش بیاید نزد خداوند شکایت برد و فقط خدای یگانه را می‌خواند و از کسی دیگر غیر از او کمک نمی‌جوید و نزد ساحران و فالگیرها نمی‌رود، آنطور که بعضی از زنان در این زمانه وقتی مشکلی پیش می‌آید به قبور اولیاء پناه می‌برند در حالی که اولیاء مرده‌اند و نمی‌شنوند و نمی‌توانند کاری را انجام دهند بلکه خود آنها نیازمند دعای خیر می‌باشند، خداوند متعال فرموده است: (والذین تدعون من دون اللّه لا یخلقون شیئا و هم یخلقون اموات غیر احیاء و ما یشعرون ایان یبعثون)

{ P – النحل: 20 P} «آن کسانی را که به جز خدا به فریاد می‌خوانند و پرستش می‌نمایند آنان نمی‌توانند چیزی را بیافرینند و بلکه خودشان آفریده شده‌اند، مرده و بی‌جان‌اند و نمی‌دانند که چه وقت زنده و برانگیخته می‌شوند.»

کمک خواستن از غیر اللّه و مردگان یا افراد غایب شرک است که خداوند بر اثر آن اعمال نیک انسان را نابود می‌کند.

(قل انما ادعوا ربی و لا اشرک به احدا)

{ P – جن: 20 P} «بگو تنها پروردگارم را می‌پرستم و کسی را انباز او نمی‌کنم.»

(لئن اشرکت لیحبطن عملک و لتکونن من الخاسرین)

{ P – زمر: 65 P} «اگر شرک ورزی، کردارت هیچ و نابود می‌شود.»

بعضی از زنان نزد ساحران و کاهنان و فالگیرها میروند که پیامبر« در مورد آنها فرموده است: «من اتی کاهنا أو عارفا فصدقه بما یقول فقد کفر بما انزل علی محمد» «هر کس نزد کاهن و فالگیری برود و او را از چیزی بپرسد نماز چهل روز او قبول نخواهد شد.» به روایت احمد. آلبانی این حدیث راصحیح قرار داده است.

و نیز فرموده است: «من اتی عرافا، فسأله عن شیء لم تقبل له صلوۀ اربعین لیلۀ»
{ P پ- رواه مسلم P} «هر کس پیش کاهن و فالگیری بیاید و او را از چیزی بپرسد نماز چهل روز او قبول نخواهد شد.»

عمل به شیوه زنان نیکو

جبرئیل7 در غار حراء نزد پیامبر« آمد و گفت: (اقرأ باسم ربک الذی خلق) پیامبر خدا« نزد خدیجه برگشت در حالی که بدنش می‌لرزید و او را از ماجرا خبر کرد و گفت: من ترسیدم که مرا طوری نشود خدیجه گفت: سوگند به خدا که او تو را هرگز رسوا نخواهد کرد زیرا تو صله رحم را برقرار می‌کنی و به بینوایان کمک می‌نمایی و مهمانان را گرامی می‌داری و به یاری ستمدیدگان می‌شتابی، آنگاه پیامبر را نزد ورقه بن نوفل برد، به او گفت پسر عمو به سخنهای برادر زاده‌ات گوش بده، پیامبر« آنچه را دیده بود به اطلاع ورقه بن نوفل رساند، ورقه گفت: او همان رازدار بزرگ، جبرئیل بوده که بر موسی نازل می‌شد کاش من در زمان رسالت تو زنده و تندرست می‌بودم، کاش زنده می‌ماندم وقتی تو را قومت از شهر بیرون می‌کنند، پیامبر« فرمود: «مگر آنها مرا بیرون خواهند کرد؟ ورقه گفت: بله، هیچ مردی به این رسالت که تو مبعوث شده‌ای نیامده، مگر اینکه قومش با او دشمنی کرده‌اند و اگر من در آن روز زنده باشم تو را به حق یاری خواهم کرد. بدینصورت خدیجه رضی‌اللّه‌عنها پیامبر« را تشویق کرد که دعوت را{ P - بخاری باب بدء الوحی P} ادامه دهد و به او دلداری داد که خداوند تو را به خاطر صفات نیکویی از قبیل کمک کردن به بینوایان و یاری فقرا و اکرام مهمانان و کمک به مصیبت زدگان، هرگز رها نخواهد کرد.

ابن حجر می‌گوید در این قصه فوایدی هست که عبارتند از:

(الف) مستحب است کسی را که برایش کار مهمی پیش آمده دلداری داده و مشکل را برای او آسان جلوه داد.

(ب) مستحب است کسیکه برایش کار مهمی پیش آمده فردی را که به خیر خواهی او و صحت نظرش اعتماد دارد در جریان قرار دهد.

{ P - فتح الباری 25/1 P} حتی اگر فرد مورد اعتماد زن باشد، همانگونه که پیامبر« با خدیجه مشوره کرد واین نشانگر اهمیت زن در اسلام است.

2- در صلح حدیبیه وقتی پیامبر« از نوشتن عهد نامه فارغ شد به اصحابش فرمود برخیزید و قربانی هایتان را ذبح کنید و سپس سرهایتان را بتراشید، کسی بلند نشد تا اینکه پیامبر« سه بار تکرار کرد وقتی دید کسی بلند نمی‌شود نزد همسرش ام سلمه رضی‌اللّه‌عنها برگشت و آنچه پیش آمده بود برای ام سلمه بیان کرد، ام سلمه به آنحضرت پیشنهاد کرد: بیرون برود بدون اینکه با کسی حرف بزند تا قربانی را ذبح نموده و سر خویش را بتراشید، پیامبر« نیز از جایگاه خود بیرون رفت و با کسی حرف نزد و قربانی‌اش را سر برید و فردی را خواست تا سرش را تیغ بزند، وقتی اصحاب دیدند همه بلند شدند و قربانی‌های خود را سر بریدند و شروع به تراشیدن سر یکدیگر نمودند طوری که بیننده خیال می‌کرد با هم درگیر شدن و خونریزی براه انداخته‌اند.

{ P - بخاری P} این داستان دلیل روشنی است بر این موضوع که از زن نیکو و صالح در امور امت اسلامی مشوره گرفته می‌شود و در مورد قضایای مهم به رأی و نظرش عمل می‌شود و نیز روایت مذکور بیانگر عقل کامل و نظر درست ام‌المؤمنین ام‌سلمه است زیرا پیامبر« به مشوره او عمل نمود و مشکل حل گردید.

از داستان خدیجه و ام‌سلمه و مشوره پیامبر« از آنها چنین نتیجه می‌گیریم که اسلام به مقام و منزلت زن احترام قایل است و ثابت می‌شود که این روایت که عمر2 فرموده است: «از زنان مشوره بگیرید اما بر خلاف مشوره آنها عمل کنید» واقعیت ندارد، زیرا هرگز عمر2 با روش پیامبر« و آیه قرآن که می‌فرماید:

(و امرهم شوری بینهم) مخالفت نمی‌ورزد.

{ P - شوری: 38 P}

احکام اسلام برای مرد و زن

مسلمان چه مرد یا زن، وقتی ادعای پرستش و محبت خداوند را دارد و از اظهار ایمان به یگانگی پروردگار و تشرف به دین اسلام و رسالت پیامبر« احساس خشنودی می‌کند و به خدا و اسلام و محمد« افتخار می‌نماید، باید اعتماد کامل به تعالیم اسلامی داشته باشد زیرا تعالیم اسلام از جانب خداوند برای خوشبختی و سعادت انسانها (زنان و مردان) در دنیا و آخرت آمده‌اند.

خداوند متعال فرموده است:

(انما کان قول المؤمنین اذا دعوا الی اللّه و رسوله لیحکم بینهم ان یقولوا سمعنا و اطعنا و اؤلئک هم المفلحون)

{ P – نور: 51 P} «مؤمنان هنگامی که به سوی خدا و پیغمبرش فرا خوانده شوند تا میان آنان داوری کند، سخنشان تنها این است که می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم و رستگاران واقعی ایشانند.»

بنابراین زن مسلمان باید به تعالیم اسلام که عزت و کرامت را برای او به ارمغان آورده است، اعتماد و یقین کامل داشته باشد و باور داشته باشد که تعالیم اسلامی در تمام زمینه‌های حقوق انسانی و اجتماعی، میان زن و مرد به عدالت و انصاف حکم نموده و طبق فطرت و طبیعت زن که خداوند آن را بهتر می‌دانسته، مسیر او را در زندگی مشخص کرده است:

(الا یعلم من خلق و هو اللطیف الخبیر)

{ P – الملک: 14 P} «مگر کسی که می‌آفریند نمی‌داند و حال این که او دقیق و باریک بین بس آگاهی است؟!»

و خداوند در آیه 33 سوره احزاب موضع و جایگاه زن مسلمان را نسبت به دین چنین بیان داشته است:

(و ما کان لمؤمن و لا مؤمنة اذا قضی اللّه و رسوله امرا ان یکون لهم الخیرة من امرهم و من یعص اللّه و رسوله فقد ضل ضلالا مبینا)

{ P – احزاب 33 P} «هیچ مرد و زن مؤمنی، در کاری که خدا و پیغمبرش داوری کرده باشند اختیاری از خود در آن ندارند و هر کس هم از دستور خدا سرپیچی کند گرفتار گمراهی کاملا آشکاری می‌گردد.»

و خداوند کسانی را که با دستور خدا و پیامبرش« مخالفت می‌کند از عذاب خود ترسانده و به آن تهدید نموده است:

(فلیحذر الذین یخالفون عن امره ان تصیبهم فتنة او یصیبهم عذاب الیم)

{ P – نور 63 P} «آنان که با فرمان او مخالفت می‌کنند باید از این بترسند که بلائی گریبانگیرشان گردد یا اینکه عذاب دردناکی دچارشان شود.»

وصیت یک زن به دخترش هنگام عروسی

زنی دخترش را به نکاح پادشاه حارث بن عمرو کندی در آورده بود و اکنون به دخترش که راهی خانه بخت بود چنین وصیت کرد:

«دخترم! اگر پند و اندرز به خاطر ادب یا نسب ترک داده می‌شد من تو را به چیزی سفارش نمی‌کردم، اما پند و سفارش برای انسان عاقل تذکری و برای نادان بیداری است.

دخترم! اگر دختری به خاطر ثروت پدرش از ازدواج و اختیار نمودن شوهر بی نیاز می‌بود، من از همه بی نیازتر بودم، اما ما زنها برای مردان آفریده شده‌ایم همچنانکه مردان برای ما آفریده شده‌اند.

دخترم! تو از وطن و سرزمین خود جدا می‌شوی و از خانه و کاشانه‌ای که در آن می‌زیسته‌ای بیرون رفته و وارد لانه‌ای می‌شوی که با آن آشنایی نداری و با همنشینی زندگی خواهی کرد که به آن انس نگرفته‌ای، او (شوهرت) وقتی همسر تو شده گویا پادشاه توست، و تو کنیز او هستی، اگر چنین کنی آنگاه او برده و غلامت خواهد شد و همواره این ده خصلت را بیاد داشته باش که ذخیره بزرگی برایت خواهند بود.

1) قناعت داشته باش که راحتی قلب و آرامش خیال در قناعت است.

2) حرفهای شوهرت را به خوبی گوش کن و از او اطاعت کن، زیرا خشنودی پروردگار در همین است.

3) همواره مواظب باش او تو را در زشتی نبیند بلکه تو را همواره زیبا ببیند و مبادا بوی بدی از تو به مشام شوهرت برسد.

4) سرمه و آب از یادت نرود که سرمه بهترین چیز و آب بهترین و پاکیزه‌ترین خوشبویی است.

5) غذای شوهرت را سر وقت بده چون آتش گرسنگی زود شعله می‌کشد.

6) در هنگامی که شوهرت خواب است سعی کن که در خانه آرامش باشد، زیرا مزاحمت در خواب کسی خشم او را بر می‌انگیزد.

7) خانه و اموال شوهرت را حفاظت کن، زیرا حفظ مال نوعی خوش بختی است.

8) به دام‌ها و فرزندان شوهرت رسیدگی کن، زیرا رسیدگی به اینها نوعی هوشیاری و زرنگی است.

9) راز شوهرت را فاش مکن زیرا اگر رازش را فاش کنی از خیانتش در امان نخواهی بود.

10) نافرمانی شوهرت را مکن، زیرا اگر از دستورش سرپیچی کنی از تو متنفر می‌شود. و هر چه تو بیشتر احترام کنی او نیز بیشتر به تو احترام قایل می‌شود. و هر چه که تو بیشتر توافق داشته باشی او نسبت به تو مهربان‌تر می‌شود.

بدان که هیچگاه موفق نمی‌شوی تا خواسته شوهرت را بر خواسته خود ترجیح ندهی و خشنودی او را بر خشنودی خود ترجیح ندهی.»

شرط ولی برای نکاح

اسلام برای اکرام زن و برای آنکه آینده‌اش خوب شود موافقت ولی زن را در امر ازدواج شرط قرار داده است، زیرا ولی مصلحت زن را بهتر می‌داند.

خداوند متعال فرموده است: (و انکحواالایامی منکم) «مردان و { P – نور: 33 P} زنان مجرد خود را به ازدواج یکدیگر در آورید.»

2- خداوند از قول پدر آن دو دختر که موسی بر سر چاه دیده بود می‌گوید: (انی ارید ان انکحک احدی ابنتی هاتین)
{ P – قصص: 27 P} «من می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به ازدواج تو در آورم.»
در این دو آیه، خداوند مردان را مورد خطاب قرار داده است واگر خطاب الهی بطرف زنان می‌بود حتما تصریح می‌شد، زیرا خداوند متعال فرموده است: (الرجال قوامون علی النساء) «مردان بر زنان سرپرستند.»
{ P – نساء: 34 P} و پیامبر« فرموده است: «لا نکاح الا بولی و السلطان ولی من لا ولی له» «نکاح بدون اجازه و سرپرست صحیح نیست و هر کسی که سرپرستی { P – صحیح رواه احمد P} نداشته باشد پادشاه و حاکم سرپرست او شمرده می‌شوند.»
و فرموده: «لا نکاح الا بولی و شاهدی عدل» «نکاح بدون اجازه ولی و حضور دو گواه عادل درست نیست.» (آلبانی در الارواء این حدیث را صحیح قرار داده است.)
صنعانی می‌گوید: حدیث فوق دلالت می‌کند که نکاح بدون اجازه ولی درست نیست زیرا اصل در نفی، نفی صحت است نه نفی کمال.
{ P – نگاه کنید سبل السلام 117/3 P} و پیامبر« فرموده است: «أیما امرأة نکحت بغیرن اذن ولیها، فنکاحها باطل، فنکاحها باطل، فاذا دخل بها وجب المهر بما استحل من فرجها، و ان اشتجروا فالسلطان ولی من لا ولی لها»
{ P – حاکم و ذهبی آن را صحیح قرار داده‌اند. P} «هر زنی بدون اجازه سرپرست و ولی خود ازدواج کند نکاحش باطل است، نکاحش باطل است، و اگر شوهرش با او همبستری کرد پرداخت مهریه‌اش بر او واجب می‌شود. و اگر در این مورد اختلاف کردند پادشاه ولی کسی است که ولی ندارد.»

و فرموده است: «لا تزوج المرأة المرأة و لا تزوج المرأة نفسها فان الزانیة هی اللتی تزوج نفسها»
{ P – حافظ در بلوغ المرام گفته است: راویان آن ثقه هستند و آلبانی جمله اول را صحیح قرار داده است و جمله دوم را موقوف بر ابوهریره دانسته است. P} «زن نمی‌تواند زنی را به عقد کسی در آورد و نیز زن نمی‌تواند بدون اجازه ولی خود، خودش را به عقد کسی در بیاورد زیرا زن زناکار کسی است که خودش را به عقد کسی در می‌آورد.»
وقتی پیامبر« موافقت ولی زن را برای ازدواج زن شرط قرار داده است، اهداف بزرگ و فواید زیادی را در نظر گرفته است که به مصلحت زن می‌باشند:
شیخ ولی اللّه دهولی؛ در حجة البالغة گفته است:

«شرط قرار دادن ولی در نکاح زنان اهمیت به آنان است، و ازدواج خودسرانه زنان کار بدی است که منشاء کمبود حیاء و نیز تعدی بر اولیاء و عدم توجه و اهمیت دادن به آنان است.

همچنین باید نکاح با زنا فرق داشته باشد که فرق آن با آشکار نمودن و اعلان کردن آن است که باید اولیاء زن این کار را بکنند.»

به نظر من این حدیث پیامبر« مطالب فوق را تایید می‌نماید: «فصل ما بین الحرام ضرب الدف، و الصوت فی النکاح»

{ P – صحیح رواه احمد P} «فرق زناشویی نامشروع و زناشویی حلال این است که در ازدواج اسلامی خواندن و زدن دف است.»

این حدیث می‌گوید که فرق حلال که ازدواج شرعی است با حرام که زنا می‌باشد زدن دف توسط دختران کوچک برای اعلام نکاح است و همچنین سرود سالم که دختران می‌خوانند. و از آنجا که زن در جامعه از تجربه کمتری برخوردار است و حالات مردان و امور پوشیده آنان را نمی‌داند، اگر خودسرانه اقدام به ازدواج کند از خطر فریب خوردن در امان نخواهد بود، زیرا زن به آسانی به ظاهرهای فریبنده و براق فریب می‌خورد، بدون اینکه به سر انجام کار فکر کند، بنا بر این، اجازه ولی برای نکاح شرط قرار داده شده است چون مردان دارای نظری وسیع‌تر و آگاهی بیشتری هستند و تصمیم آنها بر اساس واقعیت استوار است و نه بر اساس احساسات و عواطف.

چگونه می‌توان گفت ولی در ازدواج نقشی نباید داشته باشد و اجازه او شرط نیست در صورتی که زن چه بخواهد و چه نخواهد در صورت اختلاف با شوهر نیاز به پادر میانی ولی دارد چنانکه در صورت از هم پاشی زندگی زناشویی آثار آن نیز بر ولی مترتب خواهد شد.

{ P – نگاه کنید کتاب المرأة بین تکریم الاسلام و اهانة الجاهلیة P}

وظیفه ولی نسبت به زن

پیامبر« فرموده است: «اذا اتاکم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه، الا تفعلوه تکن فتنة فی الارض و فساد کبیر»

{ P – حسن رواه الترمذی P} «هر گاه کسی پیش شما برای خواستگاری دخترتان آمد که اخلاق و دینداری او مورد پسندتان بود، دخترتان را به ازدواج او در بیاورید و اگر چنین نکنید زمین را فتنه و فساد بزرگی خواهد گرفت.»

1– ولی زن، باید از خداوند بترسد و او را به ازدواج شوهری صالح در بیاورد و نباید زن را به ازدواج فردی بد اخلاق و کسی که در دینش ضعیف است در بیاورد یکی از بزرگان فرموده است: هر کسی دختر یا خواهر یا برادرزاده‌اش را به عقد و ازدواج فردی فاسق در بیاورد گویا خویشاوندی او را قطع نموده است.

و مردی به حضرت امام حسن2 گفت: افراد زیادی به خواستگاری دخترم آمده‌اند، دخترم را به ازدواج کدام یک از آنها در بیاوردم؟

حسن2 فرمود: به کسی که بیشتر از خدا بترسد، زیرا چنین فردی اگر دخترت را بپسندد او را مورد نوازش قرار می‌دهد و اگر دخترت مورد پسندش نباشد بر او ظلم نخواهد کرد.

2- شیخ الاسلام ابن تیمیه؛ گفته است: اگر دختر، مردی را پسندید که در سطح او بود بر ولیش که پدر یا برادر یا عمویش باشد واجب است که دختر را به نکاح همان مرد در بیاورد، اگر ولی از ازدواج دادن او سر باز بزند، ولی دیگری که نسب دورتری با زن دارد اقدام به این کار کند. و یا اینکه حاکم این کار را بکند و همه علماء بر این کار اتفاق نظر دارند. بنابر این ولی نمی‌تواند زن را مجبور به ازدواج با کسی بکند که مورد پسند زن نباشد و نیز به اتفاق علماء ولی نمی‌تواند مانع ازدواج زن با کسی باشد که مورد پسند زن و هم‌کفو اوست.

زیرا فقط اهل جاهلیت و ظالمان، زنان تحت تکفل خود را طبق اغراض و اهداف مشخص خود، بدون اینکه مصلحت زن را در نظر بگیرند به ازدواج با افرادی که زنان نمی‌پسندیدند مجبور می‌کردند و آنها را از ازدواج با افرادی که از نظر شخصیتی با زن برابر و مورد پسند او بود باز می‌داشتند و این عمل را خدا و پیامبرش حرام قرار داده و مسلمین به نامشروع بودن این کار اتفاق نظر دارند.

خداوند بر اولیای زنان واجب گردانیده تا در امر ازدواج به مصلحت زنان بیاندیشند نه به مصالح خود؛ زیرا زن امانتی است در دست ولی خود که خداوند در مورد امانت فرموده است:

{ P - ن ک مجموعه فتاوی امام ابن تیمیه ج 39/32-52 P} (ان اللّه یأمرکم ان تؤدو الامانات الی اهلها، و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل)

{ P - نساء 58 P} «بی‌گمان خداوند به شما دستور می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن برسانید، و هنگامی که در میان مردم به داوری نشستید دادگرانه داوری کنید.»

حتی اگر فردی از دیدگاه مسلمانان، صالح و نیکو باشد می‌توان به او پیشنهاد کرد که با دخترش یا خواهرش ازدواج کند همانگونه که حضرت عمر بن الخطاب2 به حضرت عثمان2 پیشنهاد کرد تا با دخترش حفصه‌رضی‌اللّه‌عنها ازدواج نماید، سپس به حضرت ابوبکر2 پیشنهاد کرد تا اینکه پیامبر« حفصه را خواستگاری نمود و با او ازدواج کرد.

4- همچنین جایز است که زن به مرد صالح و نیکو کار پیشنهاد ازدواج بدهد به ویژه اگر زن ولی و سرپرستی نداشته باشد، خدیجه بنت خویلد قبل از بعثت به پیامبر« پیشنهاد ازدواج داد و او بهترین همسری بود که پیامبر« را پناه داد و با جان و مالش به او کمک نمود و هیچ کس این کار

خدیجه را عیب نگرفت، در صورتی که بزرگان و اشراف قریش قبلا به خواستگاری او آمده بودند و او همه را رد نموده بود.

خنساء این شیرزن مسلمان

خنساء برادرش صخر را در دوران جاهلیت از دست داد، او به علت از دست دادن برادرش بشدت غمگین شد و در مورد فقدان برادرش شعر می‌سرایید اما بعد از سپری شدن عصر جاهلیت و ظهور اسلام، خنساء، اسلام را پذیرفت و خداوند به او چهار فرزند داد، فرزندانش وقتی می‌خواستند برای جهاد قادسیه بیرون بروند آن زن فرزندانش را چنین وصیت نمود: فرزندانم شما به میل خود مسلمان شده‌اید و با اختیار خود هجرت کردید، سوگند به خداوندی که معبودی جز او نیست، شما فرزندان یک مرد هستید همچنانکه فرزند یک مادر هستید، من دامان شرافت شما را لکه دار ننموده و نسبتان را تغییر نداده‌ام و بدانید که سرای آخرت از دنیای فانی بهتر است : صبر کنید و همدیگر را به صبر سفارش کنید،، و از خدا بترسید تا پیروز شوید وقتی دیدید که جنگ به شدت شروع شد و آتش آن مشتعل گردید وارد معرکه شوید و به مرکز جنگ و مبارزه حضور بهم رسانید با بدست آوردن غنیمت و کرامت در سرای همیشگی و نعمت بهشت بهره‌مند خواهید شد و هنگامی که جنگ چون شیر غرانی دندانهایش را نمایان کرد بر آن حمله‌ور شوید و با دشمنان بجنگید، چنانکه آنها طبق وصیت مادر وارد معرکه شده یکی پس از دیگری کشته شدند و هنگامی که به مادرشان، (خنساء) خبر شهادت فرزندانش را رسانیدند گفت: سپاس خداوندی را که با شهادت فرزندانم مرا شرافت و افتخار داد و از خداوند امیدوارم که من و آنها را در بهشت بهم برساند. و چیزی بیش از این نگفت.

{ P – ن ک الاصابه و الاستیعاب P} ببینیم رفتار خنساء قبل از اسلام و بعد از اسلام چقدر فرق کرده است، و اسلام زن را چقدر مورد تکریم قرار داده است.

زن در سرزمین‌های کفر

اگر نگاهی به وضع زن در سرزمین هایی که به گمان خود پیشرفته و متمدن هستند بیافکنیم می‌بینیم، وضعیت زنان بسیار اسف بار و بحرانی است، توهین و ذلت، فساد و بی‌بند و باری، سنگدلی و استفاده بیرحمانه از زنان که به فجیع‌ترین وضع از وجود آنها برای تامین اهداف خود استفاده می‌کنند و این امر را فقط افرادی می‌پذیرند، که از سلامت فطرت برخوردار نیستند و سرشت و خوی آنها فاسد و زشت گردیده است.

تا سال 1805 م قانونی در انگلیس به مرد اجازه می‌داد تا زنش را به فروش برساند!!!

مجله حضارة الاسلام سال دوم ص 1078 نوشته است: «در سال گذشته مرد ایتالیایی زنش را به صورت قسطی فروخت و هنگامی که مشتری از پرداخت اقساط سر باز زد فروشنده و شوهر اولی زن، خریدار را به قتل رساند.

استاد محمد رشید رضا؛ می‌گوید: عجیب‌ترین چیزی که بعضی از روزنامه‌های انگلیسی آن را نوشته‌اند این است که به گفته بعضی از روزنامه‌ها هنوز در مناطق روستایی انگلیس افرادی یافت می‌شوند که زنانشان را به قیمت خیلی ارزان مثلا 30 شلینگ می‌فروشند و بعضی از روزنامه‌ها اسامی این افراد را نوشته بودند.

4- اما در آمریکا که خود را در رأس جهان متمدن غرب می‌داند زنان به بحران و انحطاط اخلاقی و اجتماعی گرفتارند و خانواده‌ها خیلی زود از هم فرو می‌پاشند. دکتر مصطفی سباعی می‌گوید: وضع اجتماعی طوری شده که وقتی دختر به سن هیجده سالگی می‌رسد بیرحمانه او را از خانه بیرون می‌کنند تا برای بدست آوردن لقمه‌ای نان تلاش کند. و اگر مقررات طوری باشند که دختر مجبور باشد بعد از سن هیجده سالگی در خانه مادر و پدرش بماند نه تنها باید کرایه اتاق و پول غذا و هزینه شستن لباس خود را بپردازد بلکه مبلغ مشخصی را جهت تماس‌های تلفنی خود به مادر و پدرش می‌پردازد.

{ P – ن ک المرأة بین الفقه القانون ص P 300} و تاکنون نیز در تمام سرزمین‌های کفر این رسم وجود دارد فرزند من که در فرانسه مقیم است به من گفته است که تاکنون چنین است.

5- شیوع روسپیگری و انتشار زنا و لواطت و کثرت بچه‌های بی سرپرست و بالا رفتن آمارهای طلاق و جدایی، بوجود آمدن بیماری‌های تناسلی و هلاکت بار بویژه بیماری ایدز که تا کنون علاجی برای آن پیدا نشده است، از جمله ارمغانهای تمدن غرب بحساب می‌آیند.

بلکه زن غربی به حدی از بی بند و باری و فساد اخلاقی و ذلت رسیده که هیچ عاقلی نمی‌تواند تصور بکند.

دکتر نور الدین عتر می‌گوید: یکی از دوستانم که درس تخصص خود را در آمریکا به پایان رسانده بود به من گفت: در میان آمریکایی‌ها، اقوامی هستند که زنان خود را با یکدیگر عوض کنند و زن هر یک نزد مرد دیگر تا مدت معینی باقی می‌ماند بعد از اینکه مدت تمام شود، امانت خود را باز می‌گیرد.

{ P – ن ک به کتاب ماذا عن المرأة ص P 15-16} فردی که از فرانسه آمده بود از عاریه دادن زنان در آنجا نیز سخن می‌گفت.

از اینرو زن مسلمان باید بداند که او از احترام زیادی برخوردار است و نباید فریب تمدن منحرف و شعارهای برابری زن و مرد را بخورد، زیرا تمدنی که دم از برابری زن و مرد می‌زند در واقع می‌خواهد انسان از زن عروسکی متحرک یا حیوانی عریان بسازد.

دختر جوان آمریکایی که تازه مسلمان شده است

اسلام تنها راه نجات و رهایی بشریت است.

«لیامیلا» دختر بیست و هشت ساله آمریکائی و دانشجوی جامعه‌شناسی در دانشگاه نیووری کلمبیا که مسلمان شده و اسمش را از لیامیلا به هاجر تغییر داده است، می‌گوید:

«دو سال پیش من با جدیت تمام به بررسی دقیق و عمیق اسلام پرداختم و به دنبال حقیقتی می‌گشتم که در فرهنگ مادی گرای آمریکا آنرا نمی‌یافتم.» بعد از دو سال بررسی و پژوهش، لیامیلا اعلام کرد که مسلمان شده و اسمش را به هاجر تغییر داده است. در این مورد می‌گوید: کلمه «هاجر» به اسلام ارتباط دارد من هاجر را دوست دارم.

هاجر می‌گوید: از دیرباز سؤالاتی در مورد جهان هستی و زندگی در ذهنم دور می‌زد و پژوهش و تفکر برای پاسخ این پرسشهای فلسفی مرا خسته کرده بود، اما در میان فرهنگ مادی گرای آمریکا، پاسخ واضح و قانع کننده‌ای برای این پرسشها نمی‌یافتم، از اسلام می‌شنیدم اما تصور من از اسلام پیچیده و نادرست بود، شنیدم که اسلام میان مرد و زن فرق می‌گذارد، اسلام دین سختی و سنگدلی است و از حقیقت آن چیزی نمی‌دانستم تا اینکه صفای اسلام و معنویت دین اسلام را حس نموده و شروع به بررسی و پژوهش در اسلام نمودم.

تحقیق در این مورد ابتدا بسیار مشکل بود چون کتابهای مورد اعتمادی در مورد اسلام به زبان انگلیسی وجود نداشت، اما احساس می‌کردم که اسلام را دوست دارم زیرا دین عدل و انصاف است و به فرد، آزادی می‌دهد و مسئولیتهای او را بدو محول می‌نماید و همچنان به مرور زمان فهم و درک من از اسلام بیشتر می‌شد تا اینکه خداوند مرا به دین اسلام هدایت نمود.

هاجر به اسلام دعوت می‌دهد

از زمانی که هاجر اسلام آورده همواره با جدیت و نشاط برای نشر اسلام فعالیت می‌کند او می‌داند که رسالتش قدم برداشتن در راه شناسائی اسلام به ملتش می‌باشد که نسبت به حقیقت اسلام ناآگاه مانده‌اند، زیرا دشمنان کینه‌توز اسلام چهره‌ای غیر واقعی از اسلام ترسیم نموده‌اند که به سبب آن جامعه آمریکایی از درک حقیقت اسلام ناآگاه مانده است.

اسلام در زندگی هاجر را تغییر چشم‌گیری پدید آورد، او قبلا همچون سائر دختران آمریکایی زندگی را با بی‌بند و باری و بدون هدف سپری می‌کرد، اکنون دیگر او به مبادی و اصول اسلام پایبند و ملتزم است، چنانکه می‌گوید: بالاترین هدف من این است که در راه اسلام جهاد کنم، و با نظام سرمایه داری و طغیان و شر مبارزه نمایم، زیرا من به این نتیجه رسیده‌ام که اسلام تنها راه نجات انسانیت از خطر جنگها و گرسنگی‌ها و نابودی است. و هنگامی که از هاجر پرسیده شد که چرا اسلام تنها راه نجات انسانیت است؟ گفت: اسلام تنها دینی است که راه حل‌های مناسبی برای مشکلات اجتماعی و سیاسی معاصر ارایه می‌دهد، اسلام نظامی فراگیر است که مطالبات روح و نیازهای جسد را بدون اینکه در هیچ کدام خللی ایجاد شود همزمان برآورده می‌کند من پاسخ قانع کننده‌ای برای سوالات ذهنی و فلسفی خود که خواب را از چشمانم ربوده بود دین اسلام را یافتم.

هاجر وقتی که از اسلام صحبت می‌کند سخنش را درک می‌نماید و احساس می‌کند که حقیقت را می‌گوید و گاهی عبارات اسلام را به زبان عربی بر زبان می‌آورد، اما به هر حال او خوب می‌داند که اسلام نظامی همه جانبه و فراگیر برای زندگی است و تنها دین عبادت نیست که با بقیه ابعاد زندگی کاری نداشته باشد.

جهاد از دیدگاه هاجر مهم‌ترین اصل اسلامی است و مهم‌ترین چیزی است که مسلمین در عصر حاضر بدان نیازمند هستند و از زمانی که هاجر مسلمان شده روش زندگی خود را تغییر داده است، اکنون لباس اسلامی می‌پوشد و نمازهای پنجگانه را سر وقت بجا می‌آورد او تلاشهای فراوانی برای حفظ آیات قرآنی نموده است تا بتواند نمازش را بهتر بخواند طبیعی است که او با مشکلات فراوانی از طرف دوستان و خانواده‌اش مواجه شده است، اما هاجر مسلمان می‌گوید: تحمل مشکلات در راه عقیده‌ام برایم لذت بخش است و شایسته است تمام زنان و مردان مسلمان چنین باشند و در تاریخ گذشته اسلام مردان و زنان زیادی در راه اسلام شکنجه شده‌اند، اما آنها از دینشان برنگشته‌اند و برای من، اسلام از همه چیز مهم‌تر است.

فعالیت‌های هاجر فقط در امور دینی خلاصه و منحصر نیست، بلکه او یک فعال سیاسی هم است و به حقوق ملت مسلمان فلسطینی باور دارد، بنابراین او در مورد ظلمی که بر ملت فلسطین اعمال شده سخنرانی می‌نماید.

در حقیقت، هاجر پدیده‌ای بی‌نظیر است: دختر جوان آمریکایی سفید پوست، به دعوتگری مسلمان تبدیل شده است که از قضایای ملت اسلام در جامعه‌ای دفاع می‌کند که آن جامعه حاضر به شنیدن این چنین مطالبی نیست، اما هاجر خسته نمی‌شود و همچنان ادامه می‌دهد. پیام او به همه ملل اسلامی بویژه ملت عرب این است که: شما روزی مشعل راه بشریت بودید پس در برابر

اسرائیل و هم پیمانانش که سرزمین مقدستان را غصب نموده و با شما می‌جنگند ضعیف و ناتوان نباشید.

خلیفه زن ناتوان را نجات می‌دهد

هنگامی که پادشاه روم وارد سرزمینهای اسلامی شد، مردان را شهید و زنان و کودکان را اسیر کرد، و مسلمانانی که زنده به دست او می‌افتادند چشمهایشان را در می‌آورد و گوش و بینی آنها را می‌برید.

به معتصم خلیفه وقت مسلمین خبر رسید که، زنی هاشمی به دست رومی‌ها اسیر شده، فریاد زده است: «وامعتصماه»، معتصم به دادم برس. وقتی این جریان را برای معتصم بازگو کردند بلافاصله از تختش بلند شد و فریاد زن را جواب داد که «لبیک، لبیک» و بلافاصله برخاست و در قصرش فریاد زد: که حرکت کنید، سپس بر مرکب خود سوار شد، سبدی به همراه داشت که در آن توشه راه خود را گذاشته بود، عبدالرحمن بن اسحاق قاضی بغداد و شعبه بن سهل را با 328 نفر مرد عادل فرا خواند و آنها را گواه گرفت که او تمام دارایی خود را سه قسمت می‌نماید یک سوم، مال فرزندانش خواهد بود و یک سوم در راه خدا وقف می‌باشد و یک سوم از غلامانش خواهد بود، سپس همراه گروهی از فرماندهان جنگی حرکت کرد و در قسمت مغربی رود دجله اردو زد، نهایتا پس از مدتی جنگ و مبارزه با رومیان، بر آنها پیروز گشت و روم را شکست داد.

{ P – ن ک الکامل لابن الاثیر P 247/5} از این داستان می‌توان به اهمیت مقام زن و بزرگداشت آن در اسلام پی برد می‌بینیم که خلیفه معتصم همراه ارتش خود برای نجات زنی که دست رومی‌ها اسیر شده و فریاد برآورده که او را کمک کنند حرکت می‌کند و ندای آن زن را لبیک می‌گوید و برای رهای‌اش خودش و لشکریانش برای جنگ با کفار آماده می‌شوند تا اینکه می‌جنگد و زن مظلوم را کمک می‌نماید، که این خود بیانگر غیرت مسلمین و دفاع آنها از زنان است.

اهمیت تربیت زنان

من لی بتربیة النساء فانها
فی الشرق علة ذلک الاخفاق.

آیا کسی پیدا می‌شود که زنان را بخوبی تربیت نماید، زیرا تربیت نادرست زنان، علت عدم موفقیت در شرق است.

الام مدرسة اذا اعددتها
اعددت شعبا طیب الاعراق

مادر مدرسه‌ای است که اگر آن را آماده کردی گویا نسل پاک نهادی ساخته و آماده نمودی.
الام روض ان تعهده الحیا
بالری اوراق ایما ایراق
مادر باغی است که اگر او را باران حیاء سیراب کند بسیار خوب شکوفه خواهد کرد.
الام استاذُ الاستاذۀ الاولی
شغلت مأثرهم مری الافاق
مادر اولین استادی است که کارهای نیکویشان جهان را در بر گرفته است.
انا لا اقول دعوا النساء موافرا
بین الرجال یجلس فی الاسواق
من نمی‌گویم زنان را بی‌حجاب رها کنید تا در میان مردان در بازارها بنشینند.
یدرجن حیث اردن لامن وازع
یحذرن رقبته ولامن واقی
یا اینکه هر جا که دلشان می‌خواهد بروند، بدون اینکه مراقبی داشته باشند و یا از کسی هراسی داشته باشند.
یفعلن افعال الرجال لواهیا
عن واجبات نواعس الاحداۀ
و با غفلت کارهای مردان را انجام بدهند و از وظیفه خود چشم بپوشند.
فی دورهن شئونهن کثیرۀ
کشئون رب السیف و المزارق
زنان در خانه هایشان کارهای زیادی دارند که همانند کارهای صاحب شمشیر و فرمانده جنگی مهم است.
کلا و لا ادعوکم ان تسرفوا
فی الحجب والتضییق و الارهاق
نه هرگز از شما نمی‌خواهم که در حجاب زیاده روی کنید و بیش از حد بر زنان ظلم نموده و سخت‌گیری کنید.
تتشکل الازمان فی ادوارها
– دولا و هن علی الجمود بواقی
ادوار زمانه همچنان می‌گذرد اما باز هم آنها همچنان بر جمود باقی مانده‌اند.
فتوسطوا فی الحالتین و انصفوا

فالشرّ فی التقیید و الاطلاق

از میان دو راه، راه میانه را برگزینید و انصاف کنید زیرا شر، در سخت‌گیری بیش از حد و رها کردن بیش از حد است.

ربوا البنات علی الفضیلهٔ انها

فی الموقفین لهن خیر وثاق

دختران را بر خوبی تربیت کنید که برایشان بهترین چیز است.

و علیکم ان تستبین بناتکم

نور الهدی و علی الحیا الباقی

و باید دخترانتان از نور هدایت بهره‌مند شوند و بر حیای خویش باقی بمانند.